

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ - بها ۲۰ ریال

گرامی باد یاد شهدای بخون خفته خلق که در روزهای اخیر در کردستان و در دانشگاههای سراسر کشور بشهادت رسیدند!



گزارشی از راهپیمایی روز اول ماه مه در تهران:

۱۱ اردیبهشت، روز نبرد کارگر، علیه سرمایه دار

آغاز دومین سال انتشار «بیکار»

یکسال گذشته برای مردم تعدیده، مهن ما سرشار از شور و شوق مبارزه، آموختن و یکار بستن آموزشهای جدید در ما رزه بوده است. مردمیکه حماسه قیام را آفریدند و بیش از پیش عظمت نیروی خود را کشف کردند، در تپ و تاب با زهم بیثروی و ساز هم پیروزی سوخته اندومی سوزند. آنها در این راه به آگاهی و به ما زماندهی نیاز دارند و این است دلیل اسپه نشنگی توده ها و استقبال آنان از نشریات انقلابی. ما افتخار می کنیم که در این زمینه «بیکار» توانسته است در حد خود در میان کارگران و رزمکنان و روشنفکران انقلابی جا باز کند و در بالا بردن آگاهی آنان و سازماندهی شان نقش فعالی ایفا نماید.

۸ اردیبهشت با ارسال بودکها و ولین شماره بیکار با هدف افشاکری و کاراکا هکرانه سیاسی - تبلیغی، انتشار یافت و با انتشار بیکار شماره ۵۲ بیکار دومین سال انتشار خود را آغاز نمود.

ما از همان ابتدا بر آن بودیم که با تمام توان خویش ما هیت به قدرت رسیدگان جدید، نمایندگان بورژوازی و تجار بازاری را که بر اینکه قدرت فرار گرفته بودند، به مردم بشناسانیم. و در این کار جزو موفق ترین نیروهای انقلابی بودیم. آری «بیکار» پرچم بیکار علیه لیبرالها، علیه نمایندگان سرمایه - داری و استعمار ارمان اولین شماره، به اهتزاز در آورده و همدستان بورژوازی را حلق معرفی نمود. بقیه در صفحه ۲

درباره صندوق اعتصاب

صفحه ۳

دانشگاه: فریاد رسای خلقها یا «خنجره امن» خامنه ای ها؟!!

سرکوب خلقهای میهن ما و با سوری آزادی فعالیت های سیاسی و فرهنگی و سوز و گریه کمونتها - سخن مینمی ارجاع در زمین کتونی است که اسب سواران هم سرکوب خلق دلاور کرد و دانشجویان انقلابی را بر سران در مرحله آخر در می آید. ارجاع سخن از یک سرکوب شده های سرکوبگرا نه این در دانشگاهها و سوزا به می گوید که در عمل کرده های سیاسی خود علیه خلقها و دانشجویان انقلابی - سرروهای انقلابی را منتشر خواهد بود و سوزای امام - محمد بهرمان در سار محمد اردیبهشت و اعلام است سرکوب کننده مرکزی در مورد حوادث احزاب و نگاه در حقیقت سخن این اثر می باشد. است و محمود بقیه در صفحه ۳

بعدهت سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، راه کارگرو سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر. روز ۱۱ اردیبهشت هزاران نفر در خیابان ۱۶ آذر خیابانی که بسیار بود حماسه آفرینی دانشجویان انقلابی - خیابان مقاومت نامیده شده است، گرد آمده بودند. ساعت ۱۰ صبح جمعیت با شعار اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد! ماده حرکت ندو آنگاه پس از خواندن سرود انترناسیونال به طرف بقیه در صفحه ۱۱

دو نفر از انقلابیون، رفقا! احمد مودن و مسعود انبالی در اهواز اعدام شدند.

خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند!

صفحه ۱۵

پیروزی خلق زیمبا بوه شکوفان و پاینده باد!

صفحه ۱۰

نامه های یک سرباز از جبهه جنگ کردستان من شلیک نمی کنم!

من نمی توانم به روی خلقی که برای هدف مقدس خود یعنی آزادی می رزمند، آتش بگشایم. این جمله قسمتی از دونا ماسرازی است که قتل از حرکت ستون ارتش به داخل شهر سیدج از مرودگاه این شهر برای خانواده خود نوشته است. این نامه ها گوشه ای از واقعیت تلخی را که در کردستان بهرمان می گذرد و هشت خاک که میگویند در بقیه در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

عدهٔ رهنمود ۱ آغاز ۵۵۵

در سر رمای نبود که سرخی شریات حتی در خمست
حب نارگان را همه ملی می دانستند و از دست
بر محسن حزب جمهوری اسلامی به وی تکلیف میبردند .
پیکار در افقهای ماهست طبقاتی حزب جمهوری
اسلامی و بیات واقعی آن سیرک سودای "فراگیر شدن"
در سر می پروازند ، با تیری و شهابت تمام به پیش
رفت و بعضی مهمی در آگاهی عمومی در این زمینه
داده است .

- ما بر آن بودیم که محسن فزاینده و او بگیرنده
کارگران و دهقانان و خلقهای تحت ستم را با درج
احیاء و معالجات مختلف تصور کنیم ، در اینجا نیز
خصوصی در زمینه انتشار مریدان و مبارزان را در جنبش
کارگری "پیکار" از موفق ترین شریات حشش کمو-
سسی ایران بوده است .

تغایر و اندوخته های رفقای که سالها در کنار
رزمندگان فلسطینی علیه امپریالیسم و ارتجاع
بیکار کرده اند ، ما این امکان را می دادیم که در
سازمان انقلابات منطقه بویژه انقلاب فلسطین و
عمان نقش اساسی بازی کنیم و در این زمینه با درج
مقالات متعددی در بالا بردن هر چه بیشتر آگاهی و
دانش جوانان خودمون را کنیم .

پیکار در زمینه مبارزه با دشمنان و بویژه در
حشش کمونیستی و چه در مبارزه علیه رژیونیم و چه
در مبارزه علیه لیبرالیسم و فرمیسم در درون جنبش
اسلامی سر هر چند در حد لازم ، قدمهای قابل
سوحی برداشته است .

این بحثی از موفقیت های ما در انجام مسئولیت -
هایی که مدوش داریم ، بود .

اما ، ما انسانهای خودپرستی خواهیم بود
اگر از کمبودها سخن نگوئیم ، جنبش نوده ها و مبارزان
طبقاتی کارگران ایران آنچنان عظیم بوده است که گاه رهایی
که ما در انجام آن موفق بوده ایم به هیچ وجه قابل مقایسه
با آن نیست علاوه بر این ما مشخصا در زمینه رهسود -
های کارگری ، ارباب های سیاسی اوضاع طبقاتی
کارگر که جزو مهمترین وظایف یک نشریه کمونیستی
است کمبودهای اساسی داشته ایم که تلاش می کنیم
آرا بر عت حصران کنیم . همچنین در زمینه مقالات
سروخی سوسیالیستی نیز کمبودهای جدی داشته -
ایم که در این اواخر کوشش کرده ایم آنرا جبران کنیم .
ما با این موفقیت ها و کاستی ها در یکسال گذشته
تلاش کرده ایم پیکار را با اهمیت تمام رفقای که
سخن در چاپ و ایستار و بحث پیکار دست دارند ،
صورت مدام مستورا زیم و در این راه نه حملات
ارتجاع در آستانه ، سرکوب کردن و نه توقیف
به اصطلاح "فاسوی" پیکار را هیچکدام متوانسته است
مانع آرا ایستار و مستورا زیم و در آنجا که همان زمان ،
رئاسی که "پیکار" توقیف نمود زمانی که انگاللات
در او ای درواظما چاپ بشود و خود مدیونیم که
جرا سکا را ندسترس شود ؟ (پیکار شماره ۴۵ ،
دوسه سورد هم به سورد ماه) ، و در پاسخ گفتیم که :
پیکار "زاهمه" را سر راسی جد توقیف
کردند ، پیکار را سر راسی خود دادند ، در

حالی که ما اجازه انتشار نشریه "پیکار" رفاسوی
بودن آرا از خلال چهار ده سال مبارزه سخت و
خوبین سر علیه امپریالیسم و ارتجاع کسب
کرده ایم ، این شما نبودید که به ما اجازه انتشار
"پیکار" را اعطا نمودید که اکنون "راده کرده -
ایدازان" "بیشش" و "مرحمت" در گذردند ، بلکه
این کوشش خود ما و روح و خون ما بود که حسین
اجازت ای و چنین لیافتی را ما داد تا بتوانیم
نشریه حشش و روشنگری را به افلاس و خود -
های تحت ستم خلق و بویژه کارگران مبارز
ایران تقدیم کنیم ، تا از این طریق سرانده -
های مرفقی و متمالی خود را در میان رحمت -
کشان و نیروهای انقلابی سردهیم و راه
اسوه نهادنمان را ادامه دهیم ، بنا بر این
فاسوی بودن یا نبودن "پیکار" به هیچ وجه
ربطی به اراده و خواست شما ندارد ، فاسوی
بودن "پیکار" و نشریاتی همچون "پیکار" سک
واقعیت است ، یک واقعیت تاریخی که در جهت
تکاملی تاریخ و همان با منافع زحمتکش نیست
توده های مارتی ، "پیکار" از نقطه نظر ماسع
زحمتکشان قانونی است ، چه شما خواهد و چه
نخواهید ، و سرهمس آنس هم انتشار آن شما
هنگامیکه ضروری تشخیص داده شود ادامه خواهد
یافت ، همچنانکه تاکنون ملیرقم "فیر فاسوی"
شما ادامه یافته است .

و امروز نیز که در جریان یک حمله سراسری
کردستان ، به دهاننگاهها و به شریات انقلابی قرار
داریم و داستان "انقلاب اسلامی" برای ایجاد در عیب و
و حشش در میان مردم آگاه به همان تهدیدها می که در
زمان و رژیم سابق نسبت به انقلابیون و هواداران آنها
معمول بود متوسل شده است ، ما فائل آرا بیگانه ، حتی
در بدترین شرایط یعنی زمان شاه ، آگاهی شما به
جوبیا رهای حقیقت راه خود را از میان کوه ها و سنگلاخ
- ها و دره های دور رسوی دریای توده های زمی کرد و
به پیش می رفت ، و امروز نیز علی رغم هر گونه فشار
و سرکوبی چنین خواهد شد !

قبل از پایان این مقال ، اجازه می خواهیم
دست تمامی رفقای را که با ارسال اخبار و گزارشات
و اسناد و افشاگرانه در فضای نشریه ما را یاری می -
رسانند بشاریم ، همچنین ما صمیمانه دست رفقای
را که با ارسال نامه ها به ما را در تصحیح آنها -
سما ن یاری می رسانند و با پیشنهادات و انتقادات
با زنده ، خود در تکامل مضمون و شکل پیکار را شرمی -
گذارند ، می فناریم . رفقا ! این نامه ها برای ما
اهمیت بسیار دارد ، هر چند که ما موفق نشده ایم سوسی
سرای با سخگوشی به نامه های رسیده با زکنیم که
آنرا در آینده ، نزد تک عملی خواهیم کرد ، ولی این
نامه ها مشخصا در بالا بردن کیفیت "پیکار" مؤثر
بوده و ما خواستار ادامه ارسال این نامه ها و سر -
خورد هر چه مسئولانه تر و فعالت در این مورد هستیم .
با امید به اینکه هر چه بیشتر به وظایف بسیار
سنگین خود در حشش انقلابی و کمونیستی بی برسم
و بتوانیم نقش ما زهم مهمتری در جنبش کمونیستی و
انقلابی میهن مان ایفا کنیم .
"هیئت تحریریه پیکار"

زندانیان سیاسی و توطئه باندهای سپاه

عملکرد هیئت ها که تنها به کشت و کشتارها نی
که در گردستان ، در دهاننگاهها و هر آنجا که نشانی از
آزادی و آزادی دار و بر ارمی اندازد ، ختم نمیشود
بلکه بمبارانات سرکوب خلقها و ترور انقلابیون ،
زندانیان ساواک ساخته را نیز همچنان از فرزندان
دلبر خلق بر میمانند ، تا زمان تمام قضیه نیست .

زندانیان سیاسی ایران که هر روز بر مقدارشان
افزوده میشود در غیر انسانی ترین شرایط و تحسنت
فشار و شکنجه به اسارت کشیده شده اند ، رژیم حتی در
مواردی اجازه ملاقات زندانی را که از ابتدائی ترین
حقوق هر زندانی است از او سلب کرده است ، برپا کردن
بر اسامی اعدام (نمایش) بمنظور درهم شکستن روحیه
مقاومت جویانه زندانیان است از جمله شیوه های فاشیستی
است که هم اکنون در زندانیان ایران بکار گرفته میشود .

رژیم جمهوری اسلامی اکثر برای تسلی خاطر
کارتر برای جاسوسان آمریکا ، ملاقات تلویزیونی
ترتیب میدهد و در مظلوب ترین شرایط از آنها تیمار
میکند ، در عوض انقلابیون ایران را مدت ها در سلول -
های انفرادی بدون حتی یک ربع ساعت هوا خوری

و بدون حتی یکبار ملاقات حضوری و غیر حضوری نگه -
میدارد و حتی مانع آرا ن نمیشود که وکیل زندانی ،
موکل خود را ملاقات شما بداند ، نخدمت سادتی نزدیک
به یکسال است که بدون هیچگونه اقدامی در

زندان جمهوری اسلامی نیز میزند ، محمد تقی شهرام با
بیش از ده سال فدا گشتن انقلابی ، کنون در همان
زندان اسیر است که در سال ۵۵ بدست ساواک به

زنجیر کشیده شده بود ، با این تفاوت که اکنون نش
تنها نظارت و مڈر زندان انفرادی است بلکه تحت
شده ترین شکنجه های روانی قرار گرفته است ، رفیق
محمد یزدانیان نیز با سابقه بیش از ده سال فعالیت

حرفه ای - انقلابی در سالهای سیاه آریا مهوری ،
اکنون در زندان جمهوری اسلامی است ، این در واقع
ساست هیئت ها که است که بمبارانات آزادی ساحت
ساواکیها و دشمنان رژیم گذشته ، انقلابیون و

کمونیستها را بزند آنها میکشند ، در همین رابطه
سوطه های رنگارنگ باندهای سیا بهر علیه
انقلابیون و کمونیستها همچنان ادامه دارد و آنها
می کوشند با توطئه چینی علیه برخی از زندانیان ،

مقاوم بیلد خود را جامعه عمل بهوشانند .
همانطور که قبلا هم گفته ایم ، باندهای سیا و حزب
جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی با دستگیری
زندانیان با هدف توطئه کشی را طرح ریزی و

شدارک می بینند ، آنها قصد دارند از هر وسیله ای که
بتوانند در جهت تحقق نیات پلید خود کفها نایی -
اعتبار کردن نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها -
ست ، بهره گیری کنند .

زمانی عنای مرتجع می چون امضایان (از
بقیه در صفحه ۶

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نگاهی به جنبش کارگری از سال ۴۸ به بعد (۲)



درباره صندوق اعتصاب

از همان فردای قیام، کارگران، دهقانان، وطن-ها، کارمندان، ارتشیان مبارز (و سبزه‌پرستان انقلابی)، با زاریان، فرهنگیان، دانشجویان و دانش-آموزان و... خواستار اجرای فوری درخواستهای انقلابی خود می‌بودند. زحمتکشان مسلحانه قیام کرده بودند، شهیدان داده بودند، بنا بر این برای حفظ دستاوردهای انقلاب، لغو لایحه مبارزه میگردند. کارگران و سایر برتوتوها از زحمتکش بخوبی می‌دانستند که وظیفه یک دولت انقلابی در درجه اول اجرای درخواستهای فوری زحمتکشان است. بدون اجرای این درخواستها نمی‌شوان قیام را به پایان رسانید و ریشه‌های سرمایه‌داری و استعاریا شکنانه، دهقانان بحق می‌خواستند که زمین به خودشان تعلق داشته باشد، کارگران می‌خواستند که سرمایه‌های متعلق به آنها مهربانانه و سرفا به‌داریان وابسته معا دره و ملی شود، نظارت کارگران بر تولیدات عمل نشود، قراردادهای اسارت آفرین مهربانانه لغو گردد، ساواکها و سایر برتوتوها وابسته‌ها کشته گردند، دستگاہهای جاسوسی و اعمال فشار را نبود گردد، آزادیهای سیاسی برقرار گردد، ارتشیان مبارز می‌خواستند که ارتش خلقی ایجاد نگردد و سیستم ارتشیان نا هشتا می‌نابند شود و شوراها دارای قدرت را بدست بگیرند، کارگران خواستار اجرای فوری ۴۰ ماده کاردرفهت بودند، میلیونها کارگر بیگانه را خواستار ایجاد کار بودند، دانشجویان و دانش‌آموزان خواستار تغییر نظام آموزشی و آزادی فعالیت‌های سیاسی بودند و غیره. لیکن "دولت موقت جمهوری اسلامی" مردم را به "صبر" دعوت می‌کرد. زحمتکشان بحق خواستار ادامه انقلاب و تاسودی واقعی نظام سرمایه‌داری وابسته بودند، ولی دولت موقت، حزب جمهوری اسلامی، حزب توده و سایر برتوتوها کارگران طبقة کارگر و همچنین آیت الله خمینی، مردم را به "صبر" دعوت می‌کردند! اینها می‌گفتند " کمی صبر انقلابی! داشته باشید! غرابهای ۵۰ ساله رژیم سلطنت را نمی‌شوان یک شبه درست کرد، قانع باشید، این ضد کمتر بخورید و کمتر بپوشید، قانع باشید، این ضد اسلامی‌ها هستند که این درخواستها را مطرح می‌کند اینها آمریکا می‌باشند، اما که برای شکم انقلاب نکرده‌اند! ... و با این مغز فرات بود که میخواهند سرکارگران و سایر زحمتکشان را بشیر به مالند.

بیش میرفت، صندوقهای اعتصاب نیز شکل نیمه-علنی بخود گرفت، بطوریکه رژیم مزدور شاه از وجود آنها اطلاع پیدا کرد (مثلا کارگران مبارز صنعت نفت صندوقهای نیمه علنی تشکیل دادند) هر چه اوضاع انقلابی درون جامعه شدت بیشتری می‌گرفت صندوقهای مذکور امکان مناسبتی برای علنی شدن می‌یافتند. صندوقهای اعتصاب پس از پیروزی قیام تنها در مواقع اعتصاب، بصورت علنی تشکیل میگرددند که به علت اعتدای انقلابی موجود در جامعه مورد پیروش قرار نمی‌گرفتند اما بدلیل نا آگاهی کارگران اغلب این صندوقها در مواقع غیر اعتصاب موجودیت خویش را از دست دادند و بجای آنها صندوقهای دیگری بوجود آمد که در زیر پرده شرح آنها میگردند.

الف - صندوق قرض الحسنه
این صندوق بوسیله کارفرما و عواملش بوجود می‌آید و موجودی آن با مشارکت کارفرما و کارگران تهیه میگردد، تا هر موقع کارگری به پول احتیاج پیدا کرد از آن برداشت نماید.

ب - صندوق اعتصاب
این صندوق بوسیله کارفرما و عواملش بوجود می‌آید و موجودی آن با مشارکت کارفرما و کارگران تهیه میگردد، تا هر موقع کارگری به پول احتیاج پیدا کرد از آن برداشت نماید.

بقیه در صفحه ۶

در کشورهای سرمایه‌داری، کارگران برای مواقع خاص و اضطراری مانند (اعتصاب، تحمیل، افسس، کارخانه و...) صندوقی بنا می‌کنند که اعتصاب تشکیل میدهد تا اگر اعتصاب، تحمیل و... بطول انجام یابد کارفرما از پرداخت دستمزد کارگران (برای شکست کشاندن اعتصاب، تحمیل و...) آنها (خودداری کرد، فشار مالی عده‌ای از کارگران را به دست کشیدن از مبارزه مجبور نماید. در کشورهای که دیکتاتور برقرار است، صندوق اعتصاب نمی‌تواند علنی تشکیل شود، زیرا مورد پیروش پلیس و عوامل رژیم قرار می‌گیرد، اما در کشورهای که آزادیهای نسبی بورژوازی وجود دارد صندوق اعتصاب میتواند علنی تشکیل گردد و تا حدی بهائی نیرومند کارگری نیز نامی بفا آن خواهند بود. تشکیل صندوق اعتصاب در کشورهای تحت سلطه که کمیت بورژوازی وابسته با روپنای سیاسی دیکتاتوری همراه است نیز، در صورت وجود اتحادیه‌های نیرومند کارگری (سندیکای واقعی کارگری) بصورت نیمه علنی و حتی در مواردی بطور علنی امکان پذیر است.

کارگر شرکت نفت بشهادت رسیده

عزیز محمدی کارگر انقلابی و مبارز شرکت نفت به شهادت رسید. او که همواره از فعالین مبارزان کارگری بود، در یکی از همین اعتصابات کارگری در زمان دولت اژه‌ای از شرکت نفت اخراج شد. عزیز که بعد از قیام مبارز پرگشت به سرکار در کارخانه و شکل‌های بیگانه‌ان به مبارزات خود ادامه می‌داد. سرانجام توسط پاسداران فوردشناسی قرار گرفت و بوسیله یکی از همین پاسداران بنا می‌نویسند با قنداق تفنگ شدت مضروب شد. این حادثه زمانی رخ داد که عزیز پس از پایان گرفتن تحمیل موفقیت آمیز بیگانه در تشکیل ستاد کمک‌رسانی برای سیزدهگان خوزستان نقش فعالی ایفا کرده بود.

شهید عزیز محمدی پس از دو ماه بستری شدن در بیمارستان درگذشت و همچون پدر کارگرش که او نیز پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ توسط عمال کودتا به شهادت رسیده بود، به مفاطولانی شهیدای طبقة کارگر و پیوندگان راه سوسیالیسم پیوست. دانش‌گرمی و راهش پایدار باد!

سندیکای سرخ همواره صندوق اعتصاب علنی و با نیمه علنی دارند. البته اگر سندیکای کارگری مخفی باشند، نمی‌توانند صندوق خود را علنی کنند. در چنین شرایطی صندوق اعتصاب مخفی و با نیمه مخفی خواهد بود بطوریکه کارگران نیکه مایل به دادن کمک مالی به صندوق هستند و تا حدی با آن رابطه داشته باشند. (محل این صندوق مخفی خواهد بود).

صندوق اعتصاب در ایران در سالهای خلفان و دیکتاتوری که سندیکای سرخ علنی وجود نداشت، هسته‌های مخفی سندیکای تشکیل می‌گردید. (مثلا در سال ۵۲ در کارخانه جیست سازی تهران چنین هسته‌های مخفی سندیکای وجود داشت و اعتصاب بزرگی را سازماندهی و رهبری میکرد).

در آن زمان صندوق اعتصاب کاملاً مخفی بود و تنها در زمان اعتصاب نیمه علنی می‌گردید و کارگران نمی‌توانستند از آن کمک مالی دریافت دارند، بدون آنکه از محل صندوق با اطلاع باشند. در مواقع غیر اعتصاب تنها کارگران مبارز با صندوق ارتباط داشتند و کلی همچنان از محل آن خبر نداشتند.

در شرایطی که مبارزات طبقة کارگر و خلق‌های قهرمان ایران اوج بیشتری گرفت و اعتدای انقلابی در جامعه پیدا کرد و در جوامع درجهت مومنت انقلابی

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کمونیستها واضح ترمی شود .

وضعیت کنونی جنبش کارگری و چشم الدازان

در رابطه با اعتلای جنبش توده‌ای و از آن جمله جنبش کارگری و به برکت مبارزات فدا مهربا لیبستی ضد سرمایه داری و وابسته توده‌های نلیبونی، مبارزات کارگران روبه‌اوج است . بعد از قیام مبعلت خلا قدرت سیاسی تشبیه شده‌ای که بتواند "نظم" بورژوازی را برای استخما منظم‌کار بوجود آورد، کارگران خود فدا مبه بدست گرفتن تولید، اقدام مبه خراج سا وا کبها و عتا ضرز در سرمایه ، اقدام مبه اجرای ۴۰ ساعت کار و برپادخت کسری دستفزد خودو... نمودند . حرکات مستقل و به اصطلاح "مبارقا نونی" (قانون سرمایه داری) کارگران ، از جمله مهم‌ترین خاصیت مبارزات کارگران در این دوره از جنبش کارگری می باشد .

طی بیش از یکسال اخیر ، رژیم حاکم ، توانسته است ارگانهای دولتی خود را - هر چند تا با پادارو متزلزل - بوجود آورد و شکل منظمی بخود دهد . ارتش سپاه پاسداران ، "سا و ما" ، "شهرپا نی، ژاندارمری ، دادگاههای انقلاب ، زندانها و غیره از جمله ارگان های سرکوب دولتی است که تا حدودی شکل گرفته است . این تحکیم نظام دولتی را در کارخانه‌ها به شکل برگرداندن سرمایه داران ، تخفیل شورا های زرد ، ایجاد کمیته‌ها در کارخانه‌ها ، شزوع پروژه های بزرگ امپریالیستی، گماردن مدیران دولتی در اس کار - خانجانی که مدیران آنها قبلا فرا گرفته بودند و یا کارگران آنها را اخراج نموده بودند و یا لاغره ایجاد سازمانهای جاسوسی در کارخانه‌ها و غیره می بینیم . همزمان با تحکیم دولت و ارگانهای آن ، جنبش خود بخودی طبقه کارگزنه اقدامات آگاهانه شرو متشکل تی روی آورده است . درخواست دولتی کردن کارخانه‌ها افشاء و لفقو قرار دادهای انقبزیالیستی ، معادله اموال سرمایه داران بزرگ وابسته ، اعمال نظارت کارگری بر تولید ، گروگان گیری ، اجرای نظا هرات و سبک کاری کارگری ، از جمله درخواستها و اشکال مبارزات کارگران می باشد که جنبه آگاهانه فتر و متشکل نر آنرا بروشنی می رساند .

در رابطه با تعرض اخیر فدا انقلاب به دستا وردهای انقلابی توده‌ها ، بوختم انداز جنبش کارگری ، ویژه کمی ها و خصوصیات زهررا میتوان برای جنبش کارگسری ذکر کرد :

الف : جنبش کارگری هرچه بیشتر همگون و متحد می شود ؛
بعد از گذشت ۴۵ سال ، کارگران توانسته اند برخی تشکیلات واقعی خود را بوجود آورند . هر چند این تشکیلات بعد از قیام همواره مورد حمله عوامل مزدور و رژیم قرار گرفته و کارگران مبارز حتی زندانی گشته اند ، لیکن بر بستری از بحران سیاسی - اجتماعی درجا معه ، و با هر چه آگاه تر شدن کارگران ، تشکیلات واقعی کارگران بوجود می آید و خواهی آمد .
بعد از قیام توده‌های هر چه وسیعتری از کارگران

آگاه (شورای واقعی کارخانه) وارد مقابل سا پرکارگران قرار داده ، شورا را تبدیل به وسیله‌ای در دست کار - فرما به وسیله‌ای برای پوختن استخما سرمایه - داران از کارگران تبدیل می نماید .
بعد از قیام ، کارگران به تعداد بیشتری در جریانات سیاسی موجود در سطح جنبش وارد می شوند . علیرغم نبود حزب طبقه کارگر ، کارگران در مبارزات دموکراتیک و فدا مهربا لیبستی جاری در جامعه شرکت می کنند . کارگران در قطعات مبه اولیستهای درخوا - سنی خود "ملی" شدن تمام شرکتها و وابسته مبه - یالیستهای را مطرح می کردند ، افشاء و لفقو قرار دادهای امپریالیستی، معادله اموال موسسات وابسته ، آزادیهای سیاسی ... از خواستهای کارگران می - باشد .

مبارزات صنفی کارگران که در شکل عالیتر آن بصورت اعمال کنترل و نظارت کارگری بر مدیریت و تولید - بحران داشت ، بطور هر چه وسیعتری در سازمانها گسترش یافت . مبارزه برای افزایش دستمزد و ۴۰ ساعت کار در هفته ، مبارزه برای اخراج کمیته‌ها از کارخانه ، اعتراض به اجرای آتش نامه انضباطی ، مبارزه برای اخذ دستمزدهای عقب افتاده برای عدم اخراج کارگران ، هر روز وسیعتر و وسیعتر گشته است . هر چند هم اکنون مبارزات صنفی کارگران تا حدی در اثر نا آگاهی عمومی سیاسی کارگران از وسعت به اندازه کافی بر خورده نیست ، لیکن چشم - انداز جنبش کارگری بسی روشن ترمی باشد .

اما دولت سرمایه داران همبیکار رنشتست ، هنوز مدت کوتاهی از تشکیل "دولت موقت" نگذشته بود که سرمایه داران بپوش خود را به دستا وردهای انقلاب آغا ز کردند . در این جمله سرمایه داران سعی می کردند به وسایل مختلف ، از پیشرفت و اوج گیری مبارزات کارگران و سایر توده‌ها جلوگیری نمایند . کارنا مد دولت جمهوری اسلامی در این زمینه به اندازه کافی سیاه است . شمردن جنایات این رژیم در اینجا ممکن نیست . همین کافی است که گفته شود رژیم حاکم چندین بار با پاره انداختن جنگهسای برادر کشی معده نظرا ز ملق کرد ، ترکمن ، عرب و بلوچ را بخون کشیده است . تعدادی از کارگران را بسسه شهادت رسانیده است ، آزادیهای سیاسی را مورد تعرض سیاه خود قرار داده است و جو غفلان و سانسور را تا توانسته برقرار نموده است . در کارخانه‌ها کنترل و غیر چینی به سبک سا واک برقرار کرده است . کوچکترین شغییری در قانن کار رژیم تا هتا هسی نداده است ، سرمایه‌های امپریالیستها و سرمایه - داران وابسته را معادله نکرده است ، قرار دادهای اسارت آور را ملفی نکرده است ، لیبست سا وا کبها را اعلام ننموده است ، دست زمینداران را با زکذا شسه است و آنها را صلح نموده است ، سرمایه داران فزاری را بدخل دعوت نموده ، قرار دادهای خریدار سلحه و مهمات از آمریکا بسته است ، زندانها و معادله را براه انداخته است ، اینها همه برای برقراری و باز سازی دوبا ره سیمت سرمایه داری وابسته صورت گرفته و کماکان بصورت می گیرد . ماهیت این رژیم روز بروز برای توده‌های وسیعتری از مردم روشن ترمی شود و حقا نیت نبروهای سیاسی مبارزو بویژه

داخته شده که اساس این سیمت دموکرون شده باشد و حکومت کارگران و دهقانان - برهبری کارگران - سرسرا آمده باشد . بنا بر این دهقانان خود اقدام به بیرون کردن فئودالها و زمینداران بزرگ وابسته نمودند ، زمینهاشان را معادله کردند و در صورت مقاومت ، آنها را معادله نمودند . (در کردستان ، ترکمن صحرا ، شهر آرز شمسال و ...) ارتشبان مبارز خود اقدام به تشکیل شورا های واقعی نمودند ، دانشمویان و دانش آموزان هم همینطور ، در ادارات دولتی نیز کارمندان شورا های خود را تشکیل دادند ، در اینجا ما مبه مبارزات کارگسریان می پردازیم :

مبارزات کارگران بعد از قیام

مبارزات فدا مهربا لیبستی کارگران بعد از قیام کماکان ادامه می یابد . کارگران با کامهای استوار خود همچنان به پیش میروند . در دوره انقلاب هر یک از طبقات با بنیامه های مشخص خود با میدان مبارزه می گذارد ، لیکن کارگران که فدا فدر حزب واقعی طبقاتی خود بودند ، اینجا با آنجا بطور مستقل اقدام به اجرای "برنامه" خود نمودند . کارگران در راه اجرای خواسته‌های خود مبه ها آفریدند .

در بسیاری از کارخانه‌ها ، کارگران سز دوران رژیم پیشین را معادله و اخراج کردند . سا وا کبها مدیران مزدور مهندسی و سرپرستهای وابسته را دستگیر کرده معادله نمودند و اخراج کردند . در بسیاری از کارخانه‌ها کارگران خود سندیکی فلابی را متحمل اعلام کرده ، شورا یا سندیکی واقعی کارخانه را ایجاد کردند . کارگران خود کارگران مبارزی را که در رژیم خد غلظی شاد اخراج شده بودند ، بسزگاز باز گرداندند . کارگران در تعدادی از کارخانه‌ها خود ۴۰ ساعت کار در هفته را به جراد آورندند . و خود کسری پرداخت دستمزد کارگران را از صندوق شرکت پرداخت نمودند . در بعضی از کارخانه‌ها کارگران ، کارخانه را "ملی" اعلام کرده و حکم به افشاء و لفقو قرار دادهای امپریالیستی نمودند . کارگران خود شهادت کار کارخانه‌ها را که بسته شده بود ، گشودند و مشغول بکار شدند . به این ترتیب بود که کارگران توانستند در بسیاری از کارخانه‌ها ، با افشاء از بنیام ، نظا رت و کنترل مستقل کارگری خود را بر تولید ، مدیریت و فروش اعمال کنند .

در تعدادی از کارخانه‌ها ، کارگران خود مدیریت را بدست گرفتند ، (متوساک ، جبین معادله ...) لیکن از آنجائی که قدرت سیاسی (دولت) در دست کارگران نبود ، این اقدامات علیرغم جنبه انقلابی آن ، نمی توانست مدت درازی دوام پیداورد . بورژوازی حاکم که میرفت تمام امکانات اقتصادی و سیاسی را در دست خود لنبه کند ، بهیچوجه اجازه نمی داد که موسسات تولیدی بدست خود کارگران اداره شود ، لیکن تا زمانیکه رژیم سیاسی حاکم نتوانسته است انسجام و قدرت کافی یافته و تشبیه شود ، کارگران در اینجا با آنجا ، اداره موسسه را بدست خوا هند گرفتند . در بسیاری از کارخانه‌ها (بجز معدودی) کارگران آگاهانه ، شرکت در مدیریت اخترا ز کرده اند ، چه این عمل ، کارگران

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

به مبارزات منفی و تشکیلات منفی - سیاسی روی آورده اند. بر اساس تشکیلات سندیکاها و شورایی کار - خانه ها امکان بوجود آمدن تشکیلات وسیعتر کارگران فراهم آمده است (در تهران، گیلان، جنوب اراک و...) همراهمبا متحد شدن مبارزات کارگران، ایجاد زمینه برای طرح شعارها و احداث یک زمان مابین تعداد زیادی از کارخانه ها امکان پذیر گشته است. جدوجهد های خود بخودی کارگران در زمینه ارتباط بین خود در جریان اعتمادیات بزرگ برای سوبویزه (قبل از عید ۵۹) و سپس گوشه های آگاهانه در آستان برای شرکت در تدوین قانون کار آینده، از جمله مسائلی است که مبارزات کارگران را هر چه بیشتر ممکن تر خواهد کرد.

ب: جنبش کارگری هر چه بیشتر سیاسی میشود:
بر بستری از مبارزات فدا میربا لستی و دمو - کراتیک توده های میلیونی، کارگران تا به آگاه های سیاسی - دموکراتیک دست می یابند. طرح درخواست های دولتی کردن کارخانه ها، معادله سرمایه های امپریالیستی و سرمایه داران بزرگ وابسته، افشا و لغو قرارداد های امپریالیستی از جمله شعارها می باشد که از طرف کارگران مطرح می شود و خود نشانگر آگاهی سیاسی آنان می باشد. شرکت در تدوین قانون کار، اخراج کمیته ها از کارخانه ها، اخراج عناصر وابسته و ساواکی از کارخانه و... از جمله دیگر شعارهای سیاسی است که وسیعاً از طرف کارگران مطرح شده و با توسط خود آنان عمل گشته است.

میتینگها و تظاهرات غیابانی کارگری، از اشکال سیاسی مبارزات کارگران می باشد که بیشتر از اینگونه تا بحال وسیعاً از طرف کارگران بیکار مورد استفاده قرار گرفته، می رود تا بصورت یک شیوه عمومی برای مبارزه کارگران درآید.

کارگران بتدریج درمی یابند که در مبارزه سیاسی تنها نبوده، بلکه ما بر توده های وحشتناک نیز با آنها دارای منافع مشترک می باشیم. از این جهت است که میتینگها و تظاهرات غیابانی کارگری شکل می گیرند تا این حمایت را جامعه عمل بنهوشاند. بررسی مبارزات چندین کارخانه نشان میدهد که یکی از شیوه های عالیتر مبارزه کارگران که بلا فاصله میتواند در خدمت جنبش طبقه قرار بگیرد و بر تجربه خود کارگران استوار می باشد. همین تظاهرات غیابانی و میتینگهای کارگری است. مبارزات کارگران چندین کارخانه در تهران، قزوین، جنوب و گیلان این نتیجه گیری را در عمل اثبات نموده است.

تداوم بحران و وجود برخی آزادیهای دموکراتیک که هنوز از تعرض رژیم در مابان مانده است، و سوبویزه فعالیت وسیع م. ل. ها و پیش میلیونها تراکست، اعلامیه و نشریه توفیقی افشاگران در میان کارگران از جمله شرایطی است که به هر چه سیاسی تر شدن جنبش طبقه کمک می کند. این نشریات که بصورت "اعلان جنگ واقعی" سرمایه داران در آمده اند، نقش مهمی در پیشبرد مبارزات کارگران ایفا نموده دارند.

خطری که در این زمینه جنبش طبقه کارگران با مشکلات و خطرات جدی روبروی می آید، نقش حزب خائن توده می باشد. این حزب یکمک برخی عناصر کارگشته در اورمنفی (کارگشته در زمینه مبارزه منفی به شیوه بوروکراتیک و آریستوکراتیک) و با نفوذ خود در تشکیلات وسیعتر کارگری، همان نقش را ایفا می - کند که طی سالهای ۳۲ - ۳۵ انجام داده. عملکردهای خائنانه این حزب در آن تشکیلاتی که نفوذ دارد،

بفوج آشکارا راست، هر چند اعتدالی جنبش توده های و کارگری از یک طرف و ماهیت خائنانه و سازشکارانه این گونه به اصطلاح تشکیلات کارگری از طرف دیگر، و مهمتر از همه آگاهی روز افزون کارگران، اجازه نمی دهد که کارگران زیادی حول این به اصطلاح تشکیلات جمع شوند. لیکن از جمله وظایف کارگران آگاه و نیروهای انقلابی است که با افشای این تشکیلات و نقش خائنانان از نفوذ آیدشولوسیوی این به اصطلاح حزب در درون طبقه کارگر جلوگیری بعمل آورند.

در همین حال لازم به توضیح است که جنبش طبقه کارگران سوسیالیستی و نیروهای متزلزل و بیگانه بینسی (چه با آیدشولوسیوی مارکسیستی و چه با آیدشولوسیوی مذهبی) که نقش "به خائنان گنجانند" کارگران را بعهده گرفته و سوبویزه سیاسی شدن طبقه کارگر جلوگیری بعمل می آورند، در معرض تهدید جدی قرار دارد. این نیروها که از سیاست، همان درگ سیاست بورژوازی و غرض بورژوازی را دارند، سوبویزه در این شرایط بحرانی و حساس که می طلبد کارگران هر چه فعالیت وسیعتر در جنبش سیاسی جاری در سطح جامعه شرکت کنند، نقش باز دارند. اینها می کنند، عملکردهای این نیروها حتی در سد کردن همگان مبارزات منفی کارگران قابل رویت است. اینها از "خائنان" شدن مبارزه وحشتناک دارند، تظاهرات غیابانی، تصرف موقت کارخانه و تظاهرات بر توبلیت و... را عملیاتی آنا رژیستی و "چپ" قلنداری می کنند و کارگران را به همان مبارزه منفی و آزاری که مورد درخواست بورژوازی است، فراموش می خوانند. وظیفه تمام نیروهای اصلی م. ل. است که در افشای اینگونه عملکردها مجدداً کوشش نمایند.

ج: مبارزات کارگران غفلت تعرضی دارند:
تداوم بحران سیاسی - اقتصادی حاکم بر جامعه فقر و محرومیت نیش از جدا کارگران و انفعال و ناتوانی رژیم زحل بحران و بیسگوشی به نیازهای برحق کارگران، به جنبش طبقه کارگر غفلت هر چه بیشتر تعرضی می بخشد. علاوه بر آن با بحال کردن دستاوردهای انقلاب از طرف رژیم حاکم، حس مقاومت و انتقامجویی را در کارگران بیدار می کند. با اعمال نظارت بر تولید، کارگران به مقدس ترین کاشنات بورژوازی - آزادی در استعمار - تعرض می نمایند. با گروگان گیری سرمایه داران و عوامل دولت حامی آنها در استعمار کارگران مستقیماً تعرض می نمایند. با تظاهرات غیابانی و میتینگهای کارگری، کارگران حاکمیت جبرورورا مورد شوال قرار می دهند و درخواستهای سیاسی خود را مطرح می نمایند.

همزمان با تعرض وسیع و وسیعانه رژیم به دستاوردهای انقلاب، مبارزات کارگران هر چه بیشتر غفلت تعرضی می نمایند. کارگران می روند تا فعالتر و پرا نرژی تر از هر طبقه دیگری در مبارزات ضد امپریالیستی - فدا رتجایی جاری در میهنمان شرکت نمایند و هر چه این مبارزه را از جنگ دستاورد لیزان غرور بورژوازی بیرون آورند. این کارگزاران که اعدا میشوند (در درود)، این کارگزارانند که به حبس ابد و تالیان دراز زندان محکوم میشوند (درود) این کارگزارانند که در غیاب آنها به گلوله بسته میشوند (ما شهر، اندیشک و...)، این کارگزارانند که زندانها را پر می کنند (جنوب، تهران، تبریز، شمال، و...) و این کارگزارانند که بواسطه مبارزات حسود

دسته دسته از کارخانه ها اخراج میشوند. این کارگزارانند که هر چه مبارزه را بدست می گیرند.

هم اکنون مبارزات کارگران سدمحکمی در مقابل سرمایه داری وابسته و ارتجاع است. سرکوب کارگران توسط رژیم خود مویبد این واقعیت می باشد.

د: مبارزات کارگران سراسری می شود:
با توجه به ایجاد دکانهای وسیعتر کارگری و اتحادیه های که مابین سندیکاها و شوراهای جدید کارخانه بوجود آمده است، چشم انداز سراسری شدن مبارزات کارگران وجود دارد. در این زمینه جد و جدی های خود بخودی این مبارزات طرف خود کارگران صورت گرفته و می گیرد.

مجموعه این شرایط، چشم انداز تازنا و میدوار کننده ای را در مقابل کمونیستهای میهن ما می - گستراند. قوت جنبش کارگری ما در وسعت نموده ای آن، در هر چه وسیعتر شدن آن و تعمیق آن از نظر آگاهی سیاسی - دموکراتیک می باشد و ضعف آن در تشتت م. ل. ها، در عدم تکافوی و هیران و عقب ماندگی مغرط آنان است.

گسترده گی جنبش کارگری، تعمیق آن و همزمان جذب بهترین عناصر آن به سازمانها و گروهها و محافل م. ل. ادا به بحران و ناتوانی رژیم زحل و بیسگوشی به این بحران، از جمله مناسبات ترین شرایطی است که ایجاد حزب طبقه کارگر را تسهیل می نماید. مرز بندی - های جدید درون جنبش کمونیستی میهن، اعتدالی جریان توده ای - انقلابی و هر چه مشخص شدن مضمون حرکت جریانات متزلزل و نا پیکر، وسعت گیری رویز کمونیستی آنها، از جمله خطوطی است که سیر حزب طبقه کارگر را هر چه روشن تر می نماید.

هر چه گسترده تر مبارزات کارگران پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر برقرار باشد جمهوری دموکراتیک خلق

این دروغها را چه کسی باور میکند

سرمداران رژیم جمهوری اسلامی جهت پسرده - بوشی جنایت وحشیانه خود در دانشکده جندی شاپور با دروغهای مفتضحی مانند "دانشجویان تبریز را داشتند" و "کسانی که شهید شده اند از مردم بوده اند و بدست دانشجویان کشته شده اند" و... میخواهند دست داغ ننگی را که به پیشانی شان نقش بسته بود پاک کنند. ولی توده های مردم که در جریان امر بودند و می دانستند که اولاً دانشجویان تبریز را که سهل است اسلحه سیک هم همراه آنها کشتند و آنها شهادت می دهند همچون غلام سعیدی و فرهنگ انصاری و فرزانه رفیعیان و جبرائیل هاشمی و حمید درخشان و... از فعالین دفاعی سیاسی دانشجویان بولمانند، شروع به اعتراض کردند.

عمال رژیم جمهوری اسلامی برای خاموش کردن اعتراضات، روز پنجشنبه ۵۹/۲/۴ مردم زندانیان سالن شهرداری را به رگبار مسلسل بست و بیش از ۳ نفر را زیندا کشتن در بندر اراک کلوله های آمریکا شلیک شدند و بعد هم دعا کرد که تقصیر ما نبود! زندانیان میخواهند فدا رتجایی و دروغها - شلیک از این قبیل... ولی نه تنها صدای بوده هم خاموش نشد بلکه اعتراضات اوج هر چه سنسری گرفت بطوریکه بنی مداران محرومی سیاست محاذ و تخریبی، با عملدها هوا را مدد و فوراً رفت!

(نقل از تراکت حوزه آواز سازمان - ۱۵۹/۲/۵)

نخبه از صفحه ۲

در باره ...

نکته‌های فربه‌های فربه‌ها: زیرا بدینوسیله:

- ۱ - سبب کار و سرمایه تا حدی سازش و تفاهت بود
- می آید (همکاران و همکاران ما همان‌ها)
- مبلغ معینی پول باین صندوق میبرد (زند)
- ۲ - کارگران در شرایط تنگدستی و تحت فشار قرار گرفتن دست‌سوی این صندوق درار می‌کنند و ضرورت مبارزه علیه سرمایه را بفرا مویشی می‌سپارند.

۳ - هزینه‌هایی را که در مواقع اضطراری ما نتواند (بیماری، تصادف، حوادث ناگوار و...) بپایند کار و سرمایه و یا بهتر بگویم دولت سرمایه‌داری (پنکلی: همه و...) بپردازد در آمدنا چیست؟ کارگران تحصیل کرده و بدین ترتیب استشاری را نداشت می‌بخشد.

۴ - بجای آنکه کارگران به ریشه‌های اصلی اختلاف طبقاتی پی برده و با آن به مبارزه برخیزند، شرودستی از نوع بورژواشی را (دست مستندان را گرفتن، به ضعیف‌کنندگان) تبلیغ کرده و بر ریشه‌های اصلی در در سرپوش می‌گذارد.

در سرمایه‌های حیل‌کار و سرمایه‌ها با بد در حالیکه بورژواشی و سازشکارانه بودن ماهیت این نوع صندوقها را برای کارگران افشای کنیم، آنها را بحای نفا هم با بورژوازی به مبارزه علیه آن دعوت نمائیم.

در این رابطه شما رصیح عبارتن است از: تشکیل صندوقی که تنها موجودی آنرا کار و سرمایه باشد و در مواقع ضروری به کارگران و امیدون بهره‌برداران کرده و سایر بخش‌های اضطراری آنها را جبران نماید.

ب - صندوق شما و این نوع صندوقها را خود کارگران بطور علنی تشکیل می‌دهند تا در مواقع ضروری و نیاز فوری بتوانند از آن برداشت نمایند. این صندوقها اگرچه مانند صندوقهای اعتصاب نیستند و تا اندازه‌ای اشکال صندوق قرص‌السنه را دارند ولی در روند خود تحت شرایط خاصی می‌توانند به صندوق اعتصاب تبدیل گردند. این شرایط خاص عبارتند از:

- ۱ - مسئولیت ورهبری آن بمعده مناسبتی باشد.
 - ۲ - جوکارخانه نسبتا مسا عدیا شد.
- در صورت وجود شرایط مذکور این صندوقها در هنگام اعتصاب می‌توانند به صندوق اعتصاب تبدیل گردند. در غیر این صورت آنها تنها به صندوق نوع الف بدل میشوند.

ج - صندوق اعتصاب این صندوق با همساری و همکوشی خودکارگران و بمنظور کمک (مالی) دادن به کارگران در جریبان اعتصاب، ضمن گروگانگیری و... برای ادامه مبارزه بوجود می‌آید.

در شرایط کنونی صندوق مذکور نمی‌تواند بصورت علنی تشکیل شود زیرا امکان حمله رژیم به آن وجود دارد. (مگر در کارخانه‌ها شیکه سندیکای مترقی دارند) بنا بر این بطور عام میتوان گفت:

- ۱ - در این شرایط صندوق اعتصاب باید به شکل نیمه علنی تشکیل شود.
- ۲ - از طریق کارگران مبارز، آگاه و غیرفقالانز که حاره همگاری با آن هستند در آن صندوق را نامش نمود. (البته محل صندوق باید مخفی باشد).

۳ - ایجاب صندوق اعتصاب در این شرایط روحیه کارگران مبارز و پیشرو را بالا برده و همسنگی آنها مستحکمتری گردد.

۴ - برداشتن از صندوق اعتصاب با بد بطور عمده در مواقع اعتصاب، ضمن اشغال کارخانه و مواردی به نمونه‌های مذکور باشد (در حالت خاصی و بطور استثنائی به کارگرانی که حسرتی را متحمل شده و به شدت در مضیقه هستند و در ضمن برای گرفتن خسارت وارده از سرمایه‌دار مبارزه کرده‌اند، ولی موفق نشده‌اند میتوان پول پرداخت کرد).

۵ - صندوق اعتصاب با بد این ایده‌هایی را که (سرمایه‌دارها بدعا رتعی و وارد به کارگران را جبران نماید) بمیان کارگران برده و جلورشاند اندیشه‌های انسان دوستی از نوع بورژواشی و یا منحرف شدن مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داران را بگیرد.

چگونگی تشکیل صندوق اعتصاب

۱ - شرایطی که میتوان صندوق را بصورت علنی ایجاد کرد، در این شرایط (هنگام اعتلا جینش توده‌ای، در شرایطی گذرندگان و اتحادیه‌های قوی کارگری وجود دارد...) بهترین راه ایجاد صندوق اعتصاب، از طریق خودسندیکا و با اتحادیه می‌باشد. زیرا که سندیکا (شورا) و با اتحادیه توده‌های وسیع کارگران را در بر می‌گیرد.

اگر سندیکا (شورا) و با اتحادیه زرد بود، باید تعدادی از کارگران مبارز پیشقدم شده و بطور علنی کارگران را به تشکیل صندوق اعتصاب دعوت نمایند و مقدمات آنرا فراهم آورند.

نکته مهم و قابل تذکر در مورد صندوق اعتصاب در شرایط مذکور اینست که با بد موجودی آن و نیز میزان کمک‌های کارگران را در اختیار صندوق قرار می‌دهد. هر ۱۵ روز یکبار و با ماهانه به اطلاع کارگران رسانده شود.

۲ - شرایطی که نمیتوان صندوق را بصورت علنی تشکیل داد ولی میتوان از امکانات علنی استفاده کرد.

در این حالت محل صندوق و نیز مشخصات اداره کنندگان آن باید مخفی باشد، اما اساسی کارگرانی را که به صندوق کمک می‌کنند و موجودی آن را می‌توان در اختیار کارگران قرار داد. (این کار برای تبلیغ صندوق ضروری است)

در این رابطه میتوان با کمک بعضی از کارگران مبارز ضرورت صندوق و همفکاری با آنرا در جلسات عمومی کارگران تبلیغ کرد.

۳ - شرایطی که صندوق اعتصاب با بد بصورت مخفی ایجاد شود، در چنین شرایطی معمولاً تعدادی از کارگران مبارز پیشقدم شده و اقدام به تشکیل صندوق اعتصاب می‌نمایند. در این حالت محل صندوق، مشخصات مسئولین و کارگرانی که به آن کمک و یاری میکنند، همگی باید مخفی باشد. در این شرایط میتوان به کارگرانی که به صندوق کمک می‌کنند، کاغذهایی با مهر صندوق و بنفوان "رسیده" داد. موجودی صندوق هر ماه یکبار بصورت مخفی (با نوشتن به دروین و با پخش تراکت و...) با بد به اطلاع کارگران برسد و هنگام اعتصاب پرداخت پول به کارگران تا حد امکان با بد بصورت مخفی انجام گیرد. ایجاد صندوق اعتصاب در شرایط سخت پلیسی، حفظ و جلوگیری از نزلت آن و اعلام موجودی آن هر ماه یکبار روحیه مبارزاتی کارگران را بالا برده و به آنها در عمل نشان میدهد که مبارزه جریبان دارد و عده‌ای از رفقای آنها هستند که در هر شرایطی در راه منافع کارگران و زمینشان مبارزه میکنند.

در این زمینه شما مرورسته‌های کمیونیستی با بد در تشکیل و حفظ صندوق اعتصاب با فعالانه شرکت نمایند و با طرح و آموزش اصول آن به کارگران و راه‌شده رهنمودهای مناسب حفظ و تدوین کار آنرا عملی‌تر سازند

توضیح و توضیح

متاسفانه در اخبار روزگارهای مربوط به وقایع دانشگاهی شیراز و اهواز که در پیکار ۵۲ چاپ شده است در چند مورد اشتباهاتی ناشی از بی‌دقتی در ارسال گزارش رخ داده که بدین وسیله ضمن پوزش از خوانندگان توضیح می‌شود:

- ۱ - در گزارش مربوط به دانشگاه شیراز تعداد کشته‌ها سه نفر ذکر شده که درست نیست.
- ۲ - در گزارش مربوط به وقایع دانشگاه جندی شاپور اهواز خبری فنی برمدور حکم اعدام و دستن از کارکنان صنعت نفت (ابدی و مکتوبی) و دستگیری محمدجواد خانی درج شده که غیر واقعی است.
- اهل خبر بدین صورت بوده که ابدی و مکتوبی دستگیر شده و سپس در خرفشار کارکنان کارخانه اهواز ۴ و اداره مهندسی آزاد شده اند و محمدجواد خانی اما دستگیر شده است

هموطنان مبارزان رفقای گرامی!
کمکهای مالی خود را از هر طریق که
میتوانید به دست ما برسانید

بقیه از صفحه ۲ زندانیان ...

مشولان سپاه و عاملین کشتار خلقی ترکمن) و محمد غرضی (استاندار غوزستان) به تکنجه‌های روانی این زندانیان پرداختند و زمانی دیگر خود فروختگانی نظیر احمد رضا کریمی و زعفر میرزا جعفر علاف که پشت به خلق کرده و در سالهای قبل خود را در اختیار سازگذاشته بودند، ما موری شوند تا به وسیله‌ای که شده مقاومت زندانیان را درهم شکسته و بخیال خود سلاخی برای حمله به نیروهای انقلابی و چپ بمانند.

در روزهای اخیر با تندی حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی دست اندرکاران توسط سبه دیگری هستند: نزدیک به یکماه قبل در روزنامه کیهان خبری درج شده بود که یکی از آنکه کمالاتی (کمانگر) تکنجه گومروف ساواک دستگیر شده است در مورتیکه‌ای مدتها قبل از آن یعنی در آذرماه گذشته با سارت درآنده بود! این تکنجه گومروفی این مدت، توسط عزت‌شاهی تحت آموزش فیسبرار گرفته تا برنامهای رادیو تلویزیونی همچون تهرانی جلاد برای حمله به نیروهای انقلابی اجرا نماید.

سازمان ما ضمن افشای توطئه این باندهای سپاه، از همه نیروهای انقلابی میخواهد که با کار آگاهانه خود توطئه‌های این خائنین را پینا پیش نقش بر آب ساخته و با این دلقکان سیاسی را پیش از پیش رسوا سازند

چشمش دهقانی



پیروزی دهقانان روستای «حاجی آباد» بر ژاندارها و زمینداران بزرگ

روستای «حاجی آباد» با ۱۲۰ خانوار در ۳ کیلومتری لاهیجان قرار دارد. اخیراً اهالی این روستا تصمیم گرفتند که حدود ۳۸ هکتار زمین باغ چاشمی، متعلق به نیک سادات از زمینداران بزرگ لاهیجان را بین خود تقسیم کنند. اما با ممانعت پاسداران مجبور شدند با نوشتن نامه به سپاه پاسداران، فرمانداری، اداره کشاورزی، خواستار تقسیم زمین شوند. یکماه بعد از طرف مقامات دولتی گفته شد که زمین را تقسیم کنند. به تاریخ ۵۹/۱/۲۸ دهقانان بوسیله شورای ده زمین را بین خود تقسیم کردند که کلاً به هرنفر ۲۰۰۰ متر رسید و هر کس در اطراف زمین خود حدود ۲۰۰ متر دست کرد. سه روز بعد در تاریخ ۵۹/۱/۳۱ یک گردان ژاندارم با مسلسل ۳ - ۴ کلت و به همراه نیک سادات از لاهیجان به ده «حاجی آباد» آمدند.

ژاندارها ضمن غراب کردن حدود ۲۰۰ زمیندار که در اطراف روستای جمهوری مردمک در حدود ۱۰ کیلومتری این مدرک را مضاف کرده است که تمام باغهای که تقسیم شده است دوباره به ما میماند (یعنی زمینداران) باید برگردانده شود. دهقانان شجاعانه مقاومت کردند و گفتند: ما را باغ بیرون نمی رویم، بیا شد ما را بکشید، ما چیزی را از دست نمی دهیم. و بدنبال آن اهالی ده و طرف جاده را با آتش زدن چوب و لاستیک بند آوردند. سپس در حالیکه شامی دادند: «مرگ بر نفوذال، مرگ بر نیک سادات، بسوی وی حمله ور شدند، اما ژاندارها وی را محاصره کرده، او را از دست دهقانان نجات دادند و چون با مقاومت قاطعانه دهقانان روبرو شده بودند ده «حاجی آباد» را ترک کردند. ■

مبارزه شورای دهقانان "گوگه چقایی بیامه پیوه ینج"

قریه "گوگه چقایی بیامه پیوه ینج" از توابع کردکوی غرب دهی است دارای ۴۰ خانوار که ۲۲ خانوار آن با اجرای طرح امپریالیستی "انقلاب سفید" زمین ها پتان را از دست دادند. مالک این ده "موسی خان تیموری" نام دارد که با پشتیبانی مزدوران رژیم منقور شاه، دهقانان را از زمین های خود راند و آنها را استثمار می کرد. دهقانان این روستا از همان سال ۴۵ به ادارات رژیم شکایت کردند که طبیعتاً در ماهیت رژیم خائن شاه نیروی که به خواسته های بحق آنان پاسخ مثبت داده شود و جزو زندان و شکنجه و آزار جزیی دیگری نصیب دهقانان روستا نگردد.

رادر پختیبا نی از موسی خان تیموری و اعتبار او می بیند و کوچکترین ترتیبی برای به تقاضای مکرر روستائیان و شورای دهقانی داده است. اهالی ده دیدند که رژیم جمهوری اسلامی حامی زمین داران بزرگ می باشد. در تاریخ ۵۹/۱/۷ با یک اقدام انقلابی زمینهای مالک را محاصره کرده، نقد آن را به برکت بردند. بدنبال این مصداق انقلابی زمین ها توسط دهقانان، سرپرست به اصطلاح دادگاه انقلاب اسلامی قمر شیرین پیل ذهاب "عبدالنبی نمازی" (که طی چند ماهه پس از قیام با راه به ضرب و جرح، دستگیری و شکنجه مبارزین منطقه پیروزه دانش آموزان، معلمان و زحمتکشان اقدام کرده است) طی اطلاعیه ای در تاریخ ۵۹/۱/۱۶ به اهالی قمر شیرین پیل ذهاب، اسلام آباد دگرند غرب، گیلان غرب، شهر نفت و سوار شدیداً اخطار کرده که کسانی که اقدام به محاصره زمین های مالکین بنمایند، تحت تعقیب قرار می گیرند. و زمین ها به "مالکین قبل از انقلاب" یعنی زمینداران بزرگ همدست رژیم شاه خائن بازگردانده خواهد شد. آری رژیم که در حرف و شعار خود را طرفدار زحمتکشان و با "حامی مستضعفان" قلمداد می نماید در با نژده ماه پس از قیام منتهی قدامی در تنبیر زدگی دهقانان زحمتکش ما بر نماند بلکه در همدستی با زمین داران غاصب از هیچ جناح و زوئستی علی بن زحمتکشان روستائی دریغ نکرده است. ■

بدان قیام خونین بهمن ۵۷، دهقانان بی زمین که خود در مبارزه جهت سرنگونی رژیم شرکت کرده بودند امیدوار بودند که رژیم جمهوری اسلامی دست مالک بخاص را از زمین های آباد و اجادی آنان کوتاه نماید. ولی ماهها انتظار آنان شمری نشد. دهقانان این قریه برای مشکل کردن خود سازماندهی مبارزات خویش در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۱ شورای دهقانی خود را تشکیل دادند. آنها برای تحقق خواسته های نامه های متعددی به آیت الله خمینی، "شورای انقلاب"، دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه، دادگاه انقلاب سربل ذهاب، وزیر کشاورزی، استاندار کرمانشاه و فرماندار اسلام آباد غرب نوشتند. ولی رژیم جمهوری اسلامی که منافستی

بخیه از صفحه ۱۶ باسخی به ۰۰۰
می نماید که هر کدا مبدلیلی و برای سرکوب حلقهای خود می خواهند از اختلافات فی ما بین بهره بگیرند با بزرگ کردن آنها به منافع خود برستند و این توطئه مشترک دور زیم و زودین آنها فرق دارد، همی همان چیزی که ما له کیهان نخواسته است آنرا بفهمد و بیان کند.

۲ - در رابطه با مقاله ای تحت عنوان "پیام خدا انقلاب به خدا انقلاب" که به ما نسبت داده اند، باید بگوئیم که ما با مقاله ای تحت این عنوان در پیکار وجود ندا رد و این بی شک از ابتدایات ذهی نویسنده با نویسندگان مقاله است که نوشته ای با عنوان فوق الذکر خلق شده است.

۳ - ما و برخی دیگر از نیروهای انقلابی را تلوینا چنین تعریف کرده اند: "... علفهای هرزی که پس از انقلاب تولید شده اند و مثل قارچ زاده و ولد می کنند" که با بدعروض بر ما نسبتاً و همیاری از نیروها - هاشی که امروز مورد بدترین آنها مات و ناهوان - مردانه ترین حملات از طرف تازه بقدرت رسیده ها و اعوان و انمارشان قرار می گیریم خیلی پیش از نیام شده ای شکوه مند بهمن ما همی از خود را در میان خون و آتش با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه حسلاد آغا ز کرده ایم، از مانیکه ما به رژیم منقور پهلوی و حامیان امپریالیستش اعلان جنگ ناکام و در سخت ترین شرایط دست از نیندازیم و نگذیریم از سر بردن و قدرتمندان کنونی که امروز "انقلابی" شده اند، با درمنازل خود لطمه و بی نظیمه مشغول بودند و با در فرنگ به "تحقیق" و "تحلیس" سرگرم بودند و حتی از شرکت در مبارزات غذا نمیزبالیمتی نیروهای خارج از کشور نیز خودداری می کردند. آری، تاریخچه فعالیت های انقلابی ما را بخون شهدای ما شاهد است و نیروهای آگاه میزد ما نیز بر آن گواهند و بدینری نخواهدا شد که تبلیغات موا مغربانه حزب و گروههای خلق الساعه بعد از انقلاب که اتفاقاً (اتفاقاً) جملگی آنها هم به اصطلاح اسلامی و مدافع اسلامند بر اکثریت مردم ما روشن خواهد شد.

۴ - شما، ما و دیگر نیروهای راکه سازنها و اعمال خدمت می رایی معان و فارغ از سیاست بازی - ها و حسابگری های فدر و زامی کنیم، با حزب توده زمان دکتر محمد مصدق مقایسه کرده اید و رژیم حاکم را با حکومت آئند در شبلی و متحد در ایران قبلس کرده اید و اعمال ما را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی "مدیران خائنانه تر" از اعمال و عملکرد حزب توده زمان مصدق ارزیابی کرده اید. ما برای اینکه شما را از "فرا موشی" در آوریم و بهتر بشوئیم، موضع خود را توضیح دهیم و نشان دهیم که ما مقایسه بین حکومت های مصدق و آئند با حکومت جمهوری اسلامی قیاس مع العارق است. با دور می شویم که هیچگاه در زمان مصدق و آئند قلب و فزکارا و گران حق طلب که جرمان سفای کار برای ادا مهن زندگی مشقت نارشان سود هدف رنگاربا ساداران حکومت قرار نگرفت. هر کس مصدق و آئند، نمایندگان خلفای کنوران را در محبتنا جوانمردانه ترور نکردند، ادا سادهای

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

مردم مبارز ایران!

کردستان را دریابید!

بیش از دو هفته است که کردستان همچنان در خاک و خون مفاومت میکند. طی این مدت هیئت حاکمه به بهانه مبارزه با رژیم بعث عراق که اصولاً بهیچوجه در مرزهای کردستان حضور نظامی ندارد، خلق کرد را با بمبارانهای هوایی، با توپ و خمپاره کشتار می کنند. در این میان شهرهای سنندج و قزو در حلقه محاصره ارتش و پاسداران، روزهای بسیار دشواری را از سر میگذرانند. اکثر قریب به اتفاق خانه های مسکونی شهر سنندج توسط گلوله پاسداران ارتش و پاسداران ویران شده و با حداقل آسیب دیده است. بیمارستانهای شهر نیز از این حملات مسموم نمانده اند. بسیاری از زخمی شدگان در اثر نبود پزشک و دارو در آستانه مرگ قرار گرفته اند. به علت شدت حملات زمینی و هوایی، شمارش تعداد دگنشته شدگان و حتی امکان کفن و دفن شهدا میسر نیست. در چنین شرایطی رژیم هنوز منکر بمباران شهرها و کشتار وسیع خلق گردیده و میگوید تا آنجا که بتوانند مردم را زکشتار خلق کردسی اطلاع ندهد. لکن در برخی موارد آنجا که جنایات هولناک کبی صورت میگیرد که دیگر نمی توان آنرا پنهان داشت، از جمله اعتراف مریح استان آذربایجان غربی است که از طرفداران پروپاقرص سرکوب خلق کرد است. دروغپردازیهای دستگاهها که را نقش بر آب میکند. این اعتراف که در اینجا آنرا ملاحظه میکنید، نشان میدهد که نه تنها شهرها بلکه جاها و بناها با نهایی کردستان نیز از تعرض و حمله ارتش در امان نمانده است.

استاندار آذربایجان غربی!

بر اثر اصابت گلوله های هلیکوپتر

۱۱ مسافر کشته شدند

در این واقعه ۲۳ نفر نیز زخمی شد
اروپا - خبرنگار اطلاعات
چشمبد حنکر استاندار
آذربایجان غربی اعلام کرد
پوگان - سز انتقال افتاده
بر اثر اصابت گلوله های
هلیکوپتر به دو مسافر
مسافری ۱۵ کولتری
پوگان - سز منجر به کشته
شدن ۱۱ نفر و زخمی شدن
۲۲ نفر گردید.
وی افزود، برای سرعت
پشتیبان به مداوای زخمی
ها اقدامات لازم بعمل آمده
است.

(اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)

تلیک هلی کوپترهای نظامی به ما شهنشای
مسافری نما پشگرا بعدا دوسیغ و هولناک جنایاتی
است که رژیم در کردستان بر اه انداخته است. اکنون
مردم ایران بخوبی می توانند دربار سنده کشتار و
سرکوب در دستگاها و حوطه سکوت رسانی های گروهی
بیوزره را در تلوویزیون در مورد آنچه که در کردستان
میگذرد، همه و همه با طراقت که سرکوب بهرحمانه
خلق کرد در شرایط عدم آگاهی توده ها از واقعیت
جنایاتی که در آنجا رخ میدهد، صورت گیرد.

هومی مبارز کردستان عزیز و خلق کرد سکوت
ما را در برابر سرزخمهای عمیقی که بر پیشانی می نشاند
نخواهد بخشید. بر ما ست که با بی خلاق دلاور کسر د
سرخیزیم و مانع از آن شویم که کردستان قهرمان بیش
از این خاک و خون کشیده شود.

دستارتن و پاسداران ار کردستان - بر...

بقیه از صفحه ۱

نامه های...

هفته های تبلیغاتی اش آنرا کاملاً وارونه معرفی
کند. نشان می دهد:

خدمت پذیر و مبارکرام

در این لحظه که این نامه را می نویسم کمترین ۲۴
ساعت مانده به حرکت ستون به داخل شهر سنندج
مردم همه صلح اندوخته با ایمانی را سخ قعدارند
جلوی ما را بگیرند. بدروما درم امیدوارم حرف من
را بفهمید. شما سر بازان فهمیده اند که فردا جمعه
سهاه است اما نه برای مردم بلکه برای ما. در
مقابل ما مردم صلح وجود دارند، مردمی که از جان و
مال خود گذشته اند و در راهی که دارند خایه هرگونه
فداکاری هستند. من نمیتوانم بروی خلقی که برای
هدف مقدس خود یعنی آزادی می رزمند، آتش بکشم
در شانی کی از فردا خبردار؟

اما این را میدانم که من تلیک نمی کنم چون به
آنها ایمان دارم و ما این را شما بدانید. فردا روز
نهایی است. فردا ست که معلوم میشود قدرت مردم از
همه چیز بالاتر است. ما در فرودگاه سنندج مستقرند -
ایم و ستونی هستیم تا دندان مسلح.

بدروما درگرامی در این دوروز که در اینجا
هستیم به رادیو گویش می دادم و آن وقت بود که
حقیقتی تلخ بر من روشن شد. چرا که هر چه در رادیو
می گفت درست ۱۸۵ درجه مخالف آن چیزی بود که در
اینجا بود میگفت گروه های سیاسی ما اینجامرند
تاما کردستانند.

اگر بتوانم خودم را تسلیم خواهم کرد و در جبهه
آنها خواهم جنگید ولی این را مطمئنم که بروی آنها
تیراندازی نمی کنم.

از طرف من بچه ها را بیوسید. به دوستانم سلام
برسانید. امیدوارم از من راضی باشید و ناراحتی از من
نداشته باشید و فکر نکنید گول خوردم. بلکه این
راهی است که خودم انتخاب کرده ام. با میدیدار.
در ضمن تمام راههای ورودی بسته شده است.
زندگی چه زیبات اگر در راه هدلی باشد.

فرودگاه سنندج - ساعت ۶ بعد از ظهر

کنا ر هلیکوپتر - ۵۹/۱/۲۹

بدروما درمن آدرس مشخص ندارم چونکه وضع ما
روشن نیست و معلوم نیست کجا با شیم چونکه تا حالا
هر جا رفتیم دو سه روز بیشتر نماندیم. هر جا می ماسم
در زیر جاده های انفرادی هستیم و از نظروضع ما نند
دوران جنگ است. غذای نیست، آب نیست، هر تفرقه
آب برای ۲۴ ساعت و هر عددنن برای ۲۴ ساعت.
شما با تجهیزات میخواهیم ولی ما این همه صلح
ساعتی ندارم بجز دوری از شما و برادرهایمان. تا
ای که در کنار این نامه است دیروز نوشتم و وقت نداشتم
کامل بنویسم و چون هوا پنما میخواست و در پرواز کند اس
نامه را بنویسم عجله می نویسم ارتباط ما فقط از
هواست.

بدروما در هر چیز را که دربار سنندج در رادیو
می شنوید دروغ محض است. همین الان راستند
هلیکوپتر خبردار که تمام مردم شهر روی کف خبا بنا
نشسته اند و نمی گذارند ما از شهر بگذریم. این که
ما برای شویس سر بازان نامه می رویم دروغ است
چون که ستون ارتشی بجز ما کردستان را از هر طرف
محاصره کرده و نقشه شومی در سر دارد که میخواهد
بوسیله ما سر بازان بپا دهن شود. ولی بهرحال امید
وارم هیچ حادثهای اتفاق نیفتد. دیروز که مردم
شهره کنا رفرو دگا آمده بودند من توانستم به پشت
سیم خاردار بروم و با یکی صحبت کنم. او میگفت اگر
شما به ما حمله نکنید ما هم با شما کاری نداریم. او به
من گفت شما برادرهای ما هستید ما فقط حقمان را
می خواهیم مگر حق خواهی در دین اسلام حرام است.
به هر جهت امروز تا آن فلاحی بنا اینجا آمده بود و
گفت هر کس نفی، خا فدی زود تنها بدنیرون او را به
شهران می بریم و هیچ کاری با او نداریم. انتظار
نداشت که کسی بیرون بپا دنا ما فحلی ها آمدند. وقت
بدارم جمله را شما مکنم چونکه هلی کویپتر روشن شده و
آماده پرواز است.

خدا حافظ، به همه سلام برسانید

فرزند شما...



آری روزهای پر شکوه قبا مبهمن را در خاطره ها زنده می کند! اما قبا م بهمن نیست، عکسی است از
مقاومت پیکار چه زواری روزهای اخیر مردم سنندج در مقابل یورش ارتش و پاسداران! آنگاه
اراداس مردم را میتوان با توپ و شاک آمیگاشی درهم نکست؟

اخبار و مسائل جهانی



اخبار جنبش جهانی کارگران و زحمتکشان

آمریکا

انحمارات امپریالیستی آمریکا نه تنها خلقهای جهان را غارت می کنند، بلکه زحمتکشان آمریکا را نیز شکنجه و استثمار می نمایند. در این ارتباط اخیراً در آمریکا یک رشته اعتصابات گسترده شروع شده که هنوز ادامه دارد. زحمتکشان حمل و نقل نیویورک دست به اعتصاب زدند و ۵۰۰ هزار تن از همکارانشان نیز در شهرهای دیگر به آنان پیوستند. ۷۰ هزار زحمتکش نفت در کلوئیدو (یکی از ایالات آمریکا) و ۱۰۰ هزار کارگر صنایع شیمیایی دست به اعتصاب زدند. این اعتصابات برای افزایش دستمزدها و بهبودی شرایط کار است.

فرانسه

پا بستن فرانسه را اعتصاب زحمتکشان خدمات عمومی در بر گرفته است. کارگران خواهان افزایش دستمزد می باشند و به سختی شرایط زندگی خود اعتراض دارند. زحمتکشان متروی پاریس که غالباً کارگران مهاجر و عرب می باشند نیز کارگران راه آهن فرانسه دست به اعتصاب زدند. علاوه بر زحمتکشان اعتصابی "فردگا" و "ورلی" خواهان تجدید قرارداد های کار، افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار میباشند.

انگلستان

در سال جاری مسیحی جنبش اعتراضی در انگلستان نیز اوج گرفته است و تقریباً تمامی بخشهای اقتصاد سرمایه داری انگلستان را فرا گرفته است. بطور نمونه می توان به اعتصاب طولانی ۱۰۰ هزار فلزکار شرکت "بریتیش استیل کورپوریشن" (BRITISH STEEL CORPORATION) اشاره نمود. این اعتصابات نتیجه اعتقاد دهرانی این کشور می باشد که فشار سنگین خود را در درجه اول به طبقه کارگر تحمیل می کند.

پرتغال

در پرتغال فلزکاران پورتگالی اخیراً دست به اعتصابی زده اند که ۲۰۰ هزار تن را در بر می گیرد. آنها همچنین در شهرهای مختلف کشور میتینگهایی در اعتراض به سیاست غذا رگری کارفرمایان سرمایه دار برگزار می کنند.

زحمتکشان موسسه نلتی "پتروگرا" نیز دست به اعتصاب گسترده ای زده اند.

ژاپن

زحمتکشان صنایع گرافیک و کاغذ سازی ژاپن به همراه کارگران دومیوسه بزرگ "هیتاری" و "توشی" و نیز سایر اندازان دست از کار کشیده و در حال حاضر در اعتصاب بسر می یزند. بهمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر ۶۰ میلیون تن از کارگران ژاپنی نظایرت گسترده ای بر راه انداختند. و این در حالی بود که بورژوازی امپریالیستی ژاپن هرگز نتوانست نظایرت را در این روز ممنوع اعلام کرده است.

پیروزی خلق زیمبابوه شکوفان و پاینده باد!

پنجوی از انحاء از طریق کثرت و روزی می گذرد. تقسیم امکانات کثرت و روزی چنان ظالمانه است که در سال ۱۹۷۶ مزارع متعلق به سفیدپوستان $\frac{1}{3}$ تولید کثرت و روزی زیمبابوه را تولید کردند. در حالیکه تنها $\frac{1}{10}$ تولید کثرت و روزی از زمینهای سپاه پوستان حاصل شد.

سراعامس از ۵۷ سال سلطه استعماری و حکومت کارانه سفیدپوستان نژادپرست، خلق مسارز زیمبابوه (رودزیای سابق) استقلال خود را جشن گرفت. هجدهم آوریل (۲۹ فروردین امسال) با اعلام استقلال پمها و یکمین کشور آفریقا و آفریسی

- تحقق این مرحله از پیروزی خلق انقلابی زیمبابوه، پیروزی خلق ما و همه خلقهای مستعبد است.
- کشورهای خط مقدم جبهه، موزامبیک و آنگولا چه نقشی در مبارزات خلق زیمبابوه داشتند؟
- مشکلات حکومت زیمبابوه مستقل کدامند؟



در کنار بهره کشی استعماری در زمینه کشاورزی با بدبختی مواد خام زبر زیمبی (منجمله طلا، کروم، اورانیم و پلاتین) و منابع طبیعی این کشور هم - چنین گسترش محدود موسسات و مناسبات سرمایه داری در آن اشاره کرد.

در استعمار خلق زیمبابوه غیر از امپریالیستی انگلیسی، آمریکا و اروپا نیز به و نیز زیمبی نژادپرست آفریقای جنوبی شرکت داشته اند. علاوه بر اینها وجود رودزیای در شبکه نظامی امپریالیسم دارای اهمیت استراتژیک بوده است.

اوج گیری مبارزات استقلال طلبانه و راهی - بخش در آفریقا در سال های ۵۰ و ۶۰ سیاستمداران مکار انگلیسی را به عیله ای تازه واداشت و بر اساس آن بان اسخیت نمایندده اقلیت سفیدپوستان رودزیای در سال ۱۹۶۵ ظاهراً بطوریکطرفه (بدون موافقت انگلیس!) اعلام استقلال کرد. انگلستان و دیگر امپریالیستهای اروپایی و آمریکایی هر چند ظاهراً این اقدام بان اسخیت را محکوم می کردند و آنرا مشمول "تحریم اقتصادی" می نمودند ولی عملاً مستقیماً و بطور غیر مستقیم از طریق آفریقای جنوبی به رودزیای کمک می رساندند.

مبارزات استقلال طلبانه مردم زیمبابوه سر - انجامه مبارزات سازمان یافته و انقلابی مسلحانه طبقه در صفحه ۱۱

مستعمره انگلیس، خلقهای مستعبد آفریقا، سنگری دیگر را فسخ کردند و خلق زیمبابوه و حقوق ملی او که به رسمیت شناخته نمی شد از نو تولد یافت.

حجم این مرحله از پیروزی برای خلق انقلابی زیمبابوه نه تنها برای خلقهای آفریقا بلکه کلیه خلقهای مستعبد جهان که علیه امپریالیسم نسبی نژادی و ارتجاع در اشکال مختلف می جنگند حسی است. مسرت بخش که همگی خود را در آن پیروزی سهم می دانند. اما کمونیستها بر اساس اصل لنینیستی حمایت از حقوق خلقهای تحت تسلط، از مبارزات خلق زیمبابوه برای به زور آوردن نژادپرستان و کسب استقلال و نیز ادامه مبارزات این خلق در راه تحکیم استقلال ملی و تامین حاکمیت کارگران و زحمتکشان زیمبابوه پشتیبانی کرده و می کنند و تحقق این مرحله از پیروزی را بخلق قهرمان زیمبابوه و انقلابیون آن سرزمین شادباش می گوئیم.

اناراشی که در زیمبی آید کوششی است ناخوانده را به وقع این کشور تازه تولد یافته و مبارزات دلرانه خلق زیمبابوه و شرایطی که بر آن حاکم است تا حدی آشنا سازد:

زیمبابوه کشوری است در نیمه جنوبی آفریقا که با کشورهای موزامبیک، زامبیا، و نیز آفریقای جنوبی سرزمین مشترک دارد. جمعیت آن حدود ۷ میلیون است که دو بیست هزار نفر سفید پوست که از اروپا بدانجا مهاجر کرده و از دهها سال پیش به استعمار این منطقه پرداخته اند، حکومت را در قبضه خود داشته اند.

در سال ۱۹۲۲ در چهار رجوی اتحادیه آفریقای جنوبی که متشکل از مستعمرات انگلیس بود، حکومت خود مختار سفیدپوستان در سرزمین زیمبابوه بوجود آمد و بر اساس مبنی از استعمار کارکنان انگلیسی (اسل رودی) رودزیای نامندند. در آن زمان تعداد سفیدپوستان ۲۳ هزار نفر بود که مالک $\frac{1}{3}$ زمین های زراعی آنها را بر عهده داشتند. در آن زمان تعداد $\frac{1}{3}$ زمین ها به مالک بلکه در اختیار آفریقائیهایی رودزیای بود که تعدادشان به ۸۶۲ هزار نفر میرسد. بسیاری سرکار استعمار و حاکمان زاده ای را به دهقانان و کارگران کشاورزی آفریقای جنوبی تحمیل کرده و بر سر ۵ میلیون ۷۰۰ هزار نفر مردم آن کشور زندگیشان

بقیه از صفحه ۱۰ پیروزی ۰۰۰

سخنی با رفقای هوادار

رفقا!

هما نظور که ملاحظه می کنید بدلیل اشکالاتی که در امر چاپ پیش آمده مجبور شده ایم که قطع نشریه را کوچک کنیم و در نتیجه حجم مطالب نشریه نیز کمتر شده است. و بدین ترتیب در این شماره ما نتوانستیم از کلیه گزارشات و اخباری که بدست ما رسیده بود استفاده نماییم. در شماره های بعدگوش خواهیم کرد که با رفع اشکال پیش آمده کماکان تمامی اخبار و گزارشات قابل انتشار را در نشریه درج نماییم. مطلب دیگری که در همین رابطه قابل طرح است این است که رفقای که امکانات چاپ و انتشار و تکنیکر بیکار و برخی از مطالب آنرا دارند بعضی در تکثیر و انتشار برخی مقالات بیش از پیش اقدام نمایند چرا که ما زمان با اشکالات فنی قادر به انتشار اعلامیه ها و... در سطح کنونی نیست. پیروزی باشید

بقیه از صفحه ۱۰ اخبار ۰۰۰

ایرلند شمالی

میهن پرستان ایرلند شمالی بر نیروهای اشغالگر انگلیسی ضوابطی بی درپی وارد میمانند. از آغاز سال جاری مسیحی آنها به دهها عملیات دست زده اند که در طی آن شمار زیادی از سربازان و مأموران انگلیسی کشته شده و برتاسیات دشمن خساراتی وارد آمده است. تیزروهای اشغالگر انگلیسی سالیان طولانی است که نمی توانستند از آزادیبخش را سرکوب کنند و تسلط خود را بر ایرلند شمالی تحکیم بخشند. ولی با وجود کشتار و تیرور و دستگیری ها و زندانی کردن ها نتوانستند اقدامات دگرگونی میهن پرستان را درهم شکنند. از سوی دیگر نداشتن بهایزی های عوام مفریبا نه ای نیز در جهت موجه جلوه دادن تسلط خود توسط جسته که آخرین آن کوشش برای تحمیل قانون به اصطلاح خودمختاری می باشد. در شرایطی که لندن در پی آنست تا مبارزه خلق ایرلند شمالی را از برای برنا به های عوام مفریبا نه به کجراه بکشاند و راه حلی به اصطلاح بمسئلت آمیز بیابد، برخورد قاطع و سرخستانه خلق ایرلند شمالی پاسخ دندان شکنی بود برای اشغالگران. این واکنش نشان داد که در برابر اشغالگران تنها با پدزبان اسلحه بکار رود. خلق ایرلند شمالی که خود را هدایت میمانند مبارزه و برخورد قاطع خود می باشد این مبارزه را با زهم گسترده تر و سخت و پرفشاری خودخواها افزود و قربانی نیرنگهای امپریالیسم انگلیس نشود.

بوزیل

اعتصاب کارگران صنایع فلز "ساووپولو" از یکماه پیش همچنان ادامه دارد. دیکتاتور نظامی بوزیل پس از اعلام غیر قانونی بودن اعتصاب فلزکاران "ساووپولو" علیه جنبش برحق کارگران دست به اقدامات سرکوبگرانه جدیدی زده است. حکومت فاشیستی بوزیل بطور غشونت باری در چندین سدیگای فلزکاران دخالت نموده و با برکناری رهبرانی که توسط کارگران انتخاب شده بودند، عوامل رژیم نظامی را بجای آنها گمارده است. این یکی از اقدامات ضدکارگری دیکتاتور نظامی است که هدفش وادار ساختن بخشه در صفحه ۱۴

هم اکنون دولت تازه استقلال زیمبابوئه مسائل مشکلات بسیاری روبروست.

۲۷ هزار نفر طی ۲ سال جنگهای آزادیبخش کشته شده اند. کشور نیمه مغربیه است. آفریقای جنوبی که همبمان نژادپرست خودبیا ن اسمیت را از دست داده و خطر به و نزدیک تر شده است با بد اخربن نژادشهای و حتی نه اش را برای شکست زیمبابوئه مستقل بکاربرد. در عین حال زیمبابوئه همبمین آفریقای جنوبی ۲۵۰ میلیون دلار بدهکار است. دوزیمبابوئه ۸۵۰ هزار نفر آوار و بومی خانمان اند و ۱۲۰ هزار نفر نیز در کشورهای همسایه (موزامبیک و زامبیا) پناهنده هستند. نیمی از مدارس بسته است و ۴۲۰ هزار نفر از کودکان امکان راه یافتن به مدرسه را ندارند. حل مشکل زمین و اصلاحات ارضی یکی از عمده ترین مشکلات زیمبابوئه مستقل است. علاوه بر اینها با زسازی مناطق روستایی، از بین بردن اختلاف درآمدها که در حال حاضر نسبت ۱ به ۱۰ بین سبها ن و سفیدپوستان را دارد و با لافخره برچیدن نهادها و مناسبات تبعیض نژادی را با بدبصا بآورد.

نخست وزیر زیمبابوئه مستقل، گهروی کارآمدش نه تنها خوش آیند انگلیس ها و آمریکا می باشد بلکه خوش آیند شوروی هم نبود (b). در آغاز زمانمرداری "نرمش" های زیادی را نسبت به آنچه انتظار میرفت در زمینه های مختلف از خود نشان داده است. "نرمش" ها می گاه کرد چارچوب تا کینگی میمانند. قابل توجه است، بشرطی که جهت گیری حکومت، برسدن قبودوروا بطا استعمارگری گذشته باشد، امری که جدا از ما هیت طبقاتی رژیم بوزیلان دموکراتیک آنهاست. نیت، اطلاعات ما در حال حاضر آن انداز نیست که خلاف این مسئله را ثابت کند. هر چند به هیچ وجه نمی توان از راست روی های که چنانها می در درون و آنو و از پوز خود نشان می دهند، نتوان نمود. "نرمش" های موگا به در مطبوعات جهان شگفتی زیادی برانگیخته و برپا به مواضع طبقاتی مفسرین، در معرض نقد و تفسیرهای مختلف و متناقض قرار گرفته است. آنچه مسلم است اینکه رژیمهای و ارتخراسیهای گذشته که پس از یکدوره از مبارزات انقلابی بوده ها، بهر طریق، بر سرگرمی آیند، ممکن است که "نرمش" های تا کینگی در زمینه های گوناگون از خود نشان دهند و نمی توان بطور مطلق و دگم از آنها انتظار داشت که راه وصول به مقصود را همواره مستقیم و بدون انعطاف تا کینگی (آنطور که برخی تصور می کنند) طی نمایند. چه میمانند آنها مجبور به پیچیدن راههای بسا خطوط منحنی یا منکسر میمانند. آنچه تعیین کننده است چینی است که آنها دارند: آیا در راه قطع وابستگی به امپریالیسم است یا تحکیم آن؟ آیا در راه تحکیم حاکمیت کارگران و زحمتکاران است یا در راه هر چه دورتر کردن آنها از دخالنت در تعیین سرنوشت خود؟ و بر همین اساس هم هست که در قبال چنین رژیمهایی توان موقع حمایت یا طرد را داشت.

امیدواریم با کسب اطلاعات بیشتری نسبت به اوضاع زیمبابوئه، در آینده مقالات تحلیلی مشخصتری نسبت به این کشور داشته باشیم. (b) - نمودارین ناخوشایندی شوروی را در ننگسات زیر می توان دید: در جشن استقلال، هیئت کمه همبمی از شوروی شرکت داشت. همچنین از نمایندگان آلمان شرقی، مجارستان و چکسلواکی هم دعوت نشده بود.

انجام مید. دوشوروی انقلابی یکی با نام اختصاصی زانویر هیری را برت موگا به و دیگری زانویر هیری جوئو انکومویس از چند سال مبارزه مسلحانه علیه رژیم بیا ن اسمیت "جبهه میهن پرستان زیمبابوئه" را تشکیل دادند و تا زمان اعلام استقلال زیمبابوئه مشترکاً این جبهه را رهبری نمودند. این دونیرو هر دو مارکسیست می باشند. انکومویس است نزدیکی به شوروی را دنبال می کرد در صورتیکه موگا به هر چند بطور آشکارا موضع فدشوروی نداشت اما سیاست مستقلی را پیروی می کرد. سیاست جبهه میهن پرستان در مجموع این بود که از سیاست شوروی نیز در راه "حمایت از مبارزات زیمبابوئه استفاده کنند.

امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی حیلها دیگری را نیز طی سالهای اخیر بکار بردند. آنها استقلال مسالمت آمیز فدوت را پیش کشیدند و شوروی سازشکاری را که یک کشیش بنا ماسلف موزوروا در اس آن فرار داشت تقویت نمودند و او را و آخر سال ۲۹ پس از یک انتفا بایت فرماییشی یک دولت به اصطلاح اشتلالی به ریاست خودش و با مشارکت یکی از همکاران سابق موگا به که "سیتوله" نام داشت و غیانت کرده بود تشکیل داد. این حیلها امپریالیستی رسواتر از آن بود که بنوا تدجلی رشدمبارزات مردم را بگیرد. همزمان با این توطئه ها فشار سیاسی، نظامی و اقتصادی بر کشورهای همسایه رودزیا که از انقلابی بیون حمایت می کردند و جبهه میهن پرستان درین مناطق مرزی آنها با یگا های نظامی پارتنرانی داشت. افزایش یافت. رودزیا نسبت به کشورهای زامبیا، موزامبیک حکم اسراشیل نسبت به کشورهای عربی همسایه را داشت. هواپیماهای رودزیا و آفریقای جنوبی دائماً بدرون این کشورها رخنه کرده و روستاها و یگا های انقلابیون زیمبابوئه را بمباران میکردند. کشورهای غط مقدم جبهه (موزامبیک و زامبیا) از لحاظ اقتصادی نیز دشوارهای زیادی را تحمل می نمودند. این کشورهای تازه استقلال که می بایست سالها دوران نقاهت ناشی از سلطه استعماری گذشته را بگذرانند، از لحاظ تامین راه های ترانزیتی برای صدور و ورود کالاهای خود به راه آهن و خطوط ترانزیتی رودزیا متکی هستند. رودزیا با راههای این راه را بمباران کرده و فشارهای اقتصادی کمزگشتی بر این کشورها وارد آورد و نتوانست از حمایت انقلابیون زیمبابوئه بهره بردارد. این فشارها هر چند تعیین کننده نبود، اما زمینه اتفادسی را که بعداً نشان داده خواهد بود فراهم نمود. جبهه میهن پرستان پذیرفته شد، فراهم نمود.

جبهه میهن پرستان از سوی این کشورها که دیگر با این حمایت رانمی توانستند تحمل کنند توشیق و با مجبور به پذیرفتن مذاکره با حکومت رودزیا و رسیدن به سازشی در چهار رچوب پیشنهادی انگلیس شد. کنفرانس در زمستان سال گذشته در لندن تشکیل شد که در آن بریتانیا (بعنوان کشوری که "فانونا" ماحیت مستغمر رودزیا است) و بیا ن اسمیت و موزوروا و بران جبهه میهن پرستان شرکت نمودند. طبق طرح توافق شده، انتفا بایت با بصورت می گرفت و قدرت سیاسی از طریق مسالمت آمیز به سبها پرستان منتقل می شد.

این طرح پها شده دورا برت موگا به رهبر برانوک که از انکومو همکار قدیمی این جبهه میهن پرستان بنحو چشمگیری رای بیشتر آورده بود، نخست وزیر زیمبابوئه گردید و پس از یکسال استقلال زیمبابوئه اعلام نمود.

نخبة از صفحه ۱

گزارشی از ...

میدان انقلاب براه افتاد. در بیست و پنج صفر راه -
بیمایان سواره برخی از کلهای آتشین به متانسه
زنده بودن و ادامه داشتن با دورا شهدای آرمان
طبقه کارگر و پرورزی حتی سوسا نیز مجملوه خاصی
داشت. راهیما بیایان در شاعرهای خود خواستهای بحق
کارگران، ضرورت وحدت و مبارزه طبقه کارگر و زحمت
کشان را فریاد می زدند:

"تنص، اعتصاب، سلاح کارگر علیه سرما به دار -
"۱۱ اردیبهشت، روز نبرد کارگر، علیه سرما به دار"
در بسیاری نقاط مردم شعارها را تکرار کرده و
با همه صف نظر هر کشتگان می پیوستند. کوشش عناصر
ضد انقلاب و اجبر شده برای بسیج مردم علیه راه -
بیمایان، عقیم مانده و جز عده کمی از عناصر نا آگاه
به افراذنا لایز ملحق نشدند. چرا که مردم خود شاعرها و
فریادها را بر علیه آمریکا و سرما به داری وابسته
می نمودند و ما هیت مهاجمین برایشان روشن میشد.
شاعرها را واقعبات و از مبارزه توده ها سخن می -
گفتند: "فتر، ستم، استثمار، در قانون اساسی،
همچنان با برجاست - "مرگ بر آمریکا، مرگ بر
ارتجاع - "خلق ما میرزمد، آمریکا می لوزه - و
"علمطین، قلمطین، متحد خلق ما".
شاعرها و فریادها ضد انقلاب را افشا میکرد و صف
انقلاب را مشخص می نمود:

"کارگر، زحمتکش، دشمن امپریالیسم - " سرما به دار
مرتجع، سوکار امپریالیسم - "ما زش با آمریکا،
بهر نحو و بهر شکل افشا باید گردد - "بنی مسدر
بشی مدر، هدیه شویبه مردم، کشتار در کردستان، سرکوب
در دانشگاه - "زحمتکشان دنیا، متحد خلق ما علیه
امپریالیسم - "کارگر، کارگر، سرما به دار زوز اول
شوده، سرما به دار حق تو را بریده، "آوای هژران
شعرا را هاشی را نشان میداد:
"امپریالیسم خونخوار، این دشمن شیکار را بنا بود
با بدگردد - "چهارونجبران وحدت و تشکیلات است،
"کارگر بیروز است، سرما به دار را بود است."

آری مردم خود این هارامی شنیدند و هرکات
بیمارگونه عناصر فاشیستی توانست آنان را بر
علیه این فریادها بسیج کند. چند روز زحمتکش
می گفتند: خوب، کمونیست باشند چه عیبی دارد،
سی عدرا گرواست میگوید این حرفها را که میگویند
عمل کند، اینها که حرفهای بدی نیست ...

و راهیما شای ادمه داشت. جمعیت با شعار،
بلاکارد و سرود روز ۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، روز
جهانی کارگران را گرامی داشت و با خواندن قطعنامه
- ای پراهیما شای خاسته داد. در این قطعنامه ضمن
اناره به تارخچه این روز بزرگ و تجلیل از طبقه
کارگر جهانی و سوبزه نقش طبقه کارگر ایران در
انقلاب دیمکراتیک ایران از جمله آمده است:

"اما سنگ پسارها نژده از قلم پیروز منشد
ظلمهای ایران، هنوز کارگران ما در همان شرایط
اساسا روی کعب آفرین گذشته زندگی میکنند. هنوز
نظام سرما به داری وابسته به امپریالیسم که اساس
ظلم و ستم و استعمار سرما به داری است با برجاست و
ضرورتهاست آراسا مهری کارسما به خود را بر سر
کارخانه های میهن ما گسترده است. بیگاری و گران
سدا مسکند و زندگی کارگران و زحمتکشان میهن ما
را یکسلسله مسارد، کودکان و مردسال را در کارخانه ها
و کارخانجات استعمار مسکند و ران کارگر را سدا

بقیه از صفحه ۱

دانشگاه ...

انقلاب و رهبری حزب جمهوری اسلامی بخوبی می -
دانند که تنها جمهورش به دانشگاه برای این سازمان -
ندهی شده بود که در ضمن رژیم بتواند بورش و حیثانه
ارتش و پاسداران سرما به به کردستان قهرمان را
بطور کامل به مرحله اجرا در آورد و دانشگاه این دز
مستحکم آزادی را برای همیشه بچنگ آورد. آنها
کاملا واقفند که این پاسداران بودند که بسوی
صف مقاومت دانشجویان تیراندازی کردند. اینهمه
شهید و زخمی گواه این امر است. چرا که اگر از درون
دانشگاه ها و از طرف دانشجویان اقدام به تیراندازی
شده بود قاعدتا باید پاسداران با چاقا یا بدستی تیر می -
خوردند تا بحال حتی یک نمونه هم دیده نشده است.
کمیته مرکزی "اطلاعیه سر تا پا دروغ و جعل صادر
می کنند تا هیئت ها که و حزب جمهوری اسلامی را تطهیر
کند. مهدوی کتی بورش منشی مزدور و چاقو در حزب
جمهوری اسلامی به صفوف استواران دانشجویان را
"درگیری بین مردم خشمگین و گروههای سیاسی"
قلعه آدمی کند. خامنه ای هم این مطلب را بگونه ای
دیگر تکرار می کند. خامنه ای می گوید: "گرفتاری -
های بیشتر این فرصت را نداد به بود که این درد بزرگ
اساسی را علاج کنند "یعنی انقلاب فرهنگی" راه
به نداد زنده و اما قه می کند "شورای انقلاب تصمیم
گرفت که دانشگاهها را بعنوان مقدمه از گروههای
مخرب و مفیده انگیز پاک کنند "یعنی بورش و تنها جسم
به دفاع از گروههای سیاسی در دانشگاه، ضرب و شتم
و دستگیری و کشتار دانشجویان انقلابی از دیده هیئت
ها که عیار رشت از آغاز انقلاب فرهنگی".

مردم قهرمان نینهن ما در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، در تظاهرات
اتوبوس رانی، در تظاهرات شب هفت و چهلم تخیلی،
در زمان وقوع سیل ها و زلزله ها و در ۱۳ آبان هسا
دیده اند که دانشگاهها را قاطعترین سنگرهای دفاع
از خلق می باشد و نیز مزدور و روزهایی اول و دوم اردیبهشت
۱۳۵۹ دیدند که چگونه پاسداران این سنگر خونین
انقلاب را زیر آتش تیرباران قرار دادند و تعدادی از

تراپلی همت تیربار می کشند. هر روز، دهها کارگر در
چهار گوشه ایران با طوفان بودن وسایل ایمنی کنار
گشته میشوند و غا نوا دهها شان آوار شهرها و غیابانها
میگردند. هنوز کارگران ما خانه ندارند و در بیابانها
ها زندگی میکنند و هنوز حتی خواست چندین ساله
کارگران برای چهل ساعت کار در هفته به هیچ
گرفته میشود.

قطعنامه با افشای توطئه های رژیم در رابطه با
سرکوب خلق کرد و کشتار در دانشگاهها
و ... و محکوم کردن این جنایات اعلام میدارد که:
۱ - شها جمنا می آمریکا را بر خاک میهنمان ندیدند
محکوم می کنیم.
۲ - بمب گذاریهای اخیر در اماکن عمومی را که
توسط عوامل مزدور و در جهت کشتار و ایجاد وحشت در
میان مردم صورت گرفته اند می خندانی دانسته و
آنها ندید محکوم می کنیم.

۳ - با خاک یکسان نمودن شهرهای کردستان و فصل
عام خلق کرد را با غنا تویمهای آمریکا شای در جهت
سرکوب انقلاب و منحرف کردن مبارزات غذا میریا -
لیستی خلفای میهنمان می دانیم و قاطعانه محکوم
می کنیم.
۴ - کشتار دانشجویان انقلابی و تلاش برای خاموش
ساختن سنگر آزادی را که در جهت سرکوب مبارزات

فرزندان انقلابی خلق را بشهادت رساندند. خامنه -
ای با وقاحت تمام می گوید که: "سنگر را در مقابل
ملت مسلمان بستند و "از این مردم کشتند و مجروح
کردند". او و معاونان بهر برای اثبات این ادعای
دروغین خود تلاش می کنند اما مردم مایا زما به بیمار -
ستانها شتافتند تا به زخمی ها خون برسانند و دیدند
که چه کسانی بوسیلده چه گلوله های در خون خوبیش
خفته اند. آری آنان دانشجویان انقلابی بودند.

خامنه ای می گوید: "در کردستان عواما -
آمریکان نوعی رفتار می کنند و در دانشگاهها و بازار
نوعی عمل می کنند و در همه محیطها و قشرهای اجتماعی
عوامل دشمن عمل می کند". او و زورانها زگفتن
این خودداری می کنند که چه وجه تشابهی بین نحوه
عملکرد آمریکا در کردستان و دانشگاه وجود دارد و او
بنها می کند که این خود هیئت ها که است که سیاست
آمریکائی اجرا می کنند و آن سیاست سرکوب و یورش
فاشیستی به مدد ارتش ضد خلقی و پاسداران است که
با مملطهای آمریکا شای و اسرائیلی به خلق ترکمن
یورش می برند. کردستان را بتوب می بندند، کار -
گران بیکار در اندیشک، ما هشتر، درود، اطهسان
را به مسلسل می بندند، و در دانشگاهها ی سراسر
ایران به بهانه "آغاز انقلاب فرهنگی" کشتار می -
کنند. بلکه هیئت ها که در دانشگاهها کشتار می کند
تا فریادها را شای نباشند که به مردم بگویند چه
عواملی بنفع امپریالیسم خلق کرد را کشتار می -
کنند. آنها می دانند که دانشگاهها چه جوشان آزادی
و آگاهی است و به همین علت است که خامنه ای فریاد
می زند: دانشگاهها باید "مقام امن"، "جنهر امن
خبردهی" (البته برای ارتجاع) باقی بمانند. ولی
ارتجاع گوراست. در طول دهها سال زندگی
غلبه بر بورش های چکمه پوشان محمد را شای و اینک
پاسداران و چاقو در حزب جمهوری اسلامی،
دانشگاهها همواره بعنوان سنگر آزادی، محکم و استوار
با برجاست مانده و عواما هدا نداشتند فریادها و مبارزه
جویانه خلقهای زحمتکش میهن ما باشد ■

خدا میریا لیستی و سرما به داری وابسته توده هاست
فاطمه نه محکوم می کنیم.
۵ - کشتار کارگران بیکار و دردم گویان شورا های
واقعی کارگری تلاشی است در جهت سرکوب جنبشی
کارگری ایران. ما اعلام میداریم که دفاع از شورا های
واقعی، دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان
میهن ما علیه امپریالیسم و سرما به داری وابسته است
۶ - کارگران ایران خواستار ۴ ساعت کار در هفته
و تدوین قانون انقلابی کار توسط شورا های واقعی
کارگری هستند.
۷ - کودکان کارگر بچائی کار می باید تحصیل کنند و
زنان کارگر باید از شرایطی مساوی با مردان
برخوردار شوند.
۸ - ما دولت را عامل اصلی گران و بیگاری و کمبود
سکن می دانیم. هیئت ها که از آنجا شبکه در جهت
بازسازی نظام سرما به داری وابسته است نمیتوانند
گران و بیگاری و ... را از میان بردارند. ما اقدامات
آن را در جهت فشا را قضا دی به کارگران و زحمتکشان
محکوم می کنیم.
۹ - ما در این روز همبستگی خود را با کارگران
سراسر جهان اعلام کرده و تا نبودی کامل سرمایه -
داری و محو هر گونه ستم و استثمار، مبارزات خود را
ادامه خواهیم داد ■

بنامیت صد و دهمین سالگرد تولد لنین (۲۲ آوریل - دوم اردیبهشت)

لنین و پیکار تاریخی اش علیه رویزیونیسم (۳)

هما نظور که در میان حث قبلی بیان شد، لنینیسم رویزیونیسم را به یک جریان بورژوازی و "سوسیالیسم بورژوازی" ارزیابی می کند و رویزیونیستها را بورژوازی هائی که لنینیسم را در پی می آورند، به تنگ نظرانند معرفی می نماید. او مطرح می کند که رویزیونیستها و پورتونیستها حاکمین ایدئولوژی بورژوازی و امپریالیستی در درون جنبش کارگری می باشند و زمانی که جنبش کارگری خود را از رویزیونیسم رها نسا زدیدک جنبش بورژوازی باقی خواهد ماند. این آموزش در رویزیونیسمی اساس لنینیسم می باشد.

لنین می داند که ایجا دانترا سونال نوین، ایجا داحزاب مستقل طبقه کارگر و ایجا دیک جنبش کارگری سوسیالیستی فقط از طریق مرز بندی همه - جانبه سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی با دشمنان رنگارنگ طبقه کارگر و انواع ایدئولوژیهای ضد پرولتاریائی میسر است. او می داند اگر طبقه کارگر ملحق به اندیشه علمی و طبقاتی خود نباشد، اگر طبقه کارگر دارای مشی و تشکل کمونیستی خود نباشد، سرنگونی سرمایه داری، تحلیق دیگناتوری پرو - لتاریا و ماحتمان سوسیالیسم میسر نخواهد بود.

زیرا هنگامیکه سوسیالیسم ایدئولوژیک رویزیونیستی این طبقه انقلابی را احاطه نماید، انقلاب جهت و آگونی بورژوازی و استقرار قدرت پرولتاریائی امکان نخواهد داشت. لنینیسم به ما می آموزد که "سوسیالیسم بورژوازی" در پی انقائ مناسبات تولیدی بورژوازی و در پی انقائ روابط مستقر اندیشه سرمایه و کار مزدوری نمی باشد. "سوسیالیسم بورژوازی" در پی آنست تا شرایط حیات و بقا، جامعه سرمایه داری را تا میمن نموده و پیوسته به فدیت با عواملی که شرازه جامعه کهن را از هم می پاشد بیلند و به همین خاطر "سوسیالیسم بورژوازی" با رویزیونیسم تفاوت دارد. بورژوازی را سرنگون کند و نه ما می توانا نای ساختن سو - سیالیسم و هدایت جامعه بسوی کمونیسم را دارد.

روزیونیسم در کردار

نگاه های به سیاست و عملکردهای رویزیونیستها و پورتونیستها بیرونی ما هیت بورژوازی رویزیونیسم را مشخص می سازد و نشان می دهد که رویزیونیستها چگونه به خدمتگزاری بورژوازی و فدیت با پرولتاریا اقدام می نمایند:

● کاتوشکی در باره دولت و انقلاب می گفت: "هدف سائزه" سیاسی ما هم در این شبن همانطور که تاکنون بوده، مبارت خواهد بود از به کف آوردن قدرت دولتی از راه تحمیل اکثریت دربارلمان و تبدیل پارلمان به نیروی مسلط بر حکومت."

اومی گفت: "درجهای رجوبیک دموکراسی بورژوازی دیگر مبارزه مسلحانه برای حل و فصل تضاد طبقاتی نیست، بلکه برای حل و فصل تضاد طبقاتی است. طبقاتی جایی نخواهد داشت." (درک ما تریالیستی تاریخ) پروا فح است که مشی سازش طبقاتی و استنگاف از مبارزه طبقاتی نمی تواند برآید سوسیالیسم برود.

مشی ای که پارلمان بورژوازی و راه نجات طبقه کارگر بحساب می آورد، مشی ای که به ستایش از دموکراسی بورژوازی و در حقیقت سلطه سرمایه می - یوردازد، مشی ای که طبقه کارگر را از تصرف فترا میز قدرت سیاسی منصرف ساخته و در هم شکستن دستگاه دولتی سرمایه داری و تحقق انقلاب اجتماعی را نفی می کند، آری چنین مشی ای هرگز نمی تواند در راه آرمان پرولتاریائی به پیش رود.

روزیونیستها صحبت از تصرف قدرت سیاسی می - کنند، ولی عملا این مسئله را که "دولت محصول آنتی ناپذیری تضادهای طبقاتی است" (لنین) و بنا بر این باید بطور جبری و فوری سرنگون شود را بدست فراموشی می سپارند، آنان این آموزش اساسی مارکسیستی را بدست فراموشی می سپارند که میگوید: "اندیشه ما رکن مبارت از اینست که طبقه کارگر باید ما شین دولتی حاکم را در خوردد کند و در هم بشکند، نه اینکه به تصرف ساده آن اکتفا ورزد." (لنین، دولت و انقلاب)

آنان بجای انقلاب، مبلخ ز فرم و اصلاحات در چهار چوب مناسبات سرمایه داری می باشند. ● کاتوشکی در باره امپریالیسم می گفت: "تامل سرمایه به بسط و توسعه" بهتر از هر چیز به وسیله دموکراسی، مسالمت آمیز ممکن است. مملی گردنده به وسیله شیوه های فبرری امپریالیستی" (دولت مملی، دولت امپریالیستی و اتحادده و لنتها).

او اما ف می گرد: "آیا سیاست امپریالیستی کنونی ممکن نیست بوسیله سیاستی جدید یعنی سیاست اولتسرا - امپریالیستی که اختشامشترک جهان را از طریق یک سرمایه مالی که در مقیاس بیس - المللی متحد شده جایگزین مبارزه بین سرمایه های مالی ملی بنماید، از محند برشود؟"

پروا فح است، مشی ای که سیاست امپریالیسم را از اقتصادان جدا می کند، مشی ای که تضاد و تضاد اقتصادی و مستوری امپریالیستی را ذاتی امپریالیسم بشمار نمی آورد، مشی ای که تضاد فترا درونی امپریالیسم را بنیان می کند و در عصر امپریالیسم برقراری ملخ "از طریق یک سرمایه مالی در مقیاس بین المللی متحد شده" را نوید می دهد و با نتیجه ناگزیری جنگ امپریالیستی را نفی می کند، مشی ای که بر اساس این ارزیابی اقتصادی از ما هیت امپریالیسم و طرح تئوری ارتجایی "امپریالیسم بدون شیوه فبرری"، انقلاب پرولتاری و برقراری سوسیالیسم را نفی کرده و یک راه عمل رفرمیستی ارائه می دهد، بلکه، چنین مشی ای هرگز نمی تواند پرولتاریائی در آستانه انقلاب پرولتاری را به تصرف قدرت سیاسی راهبری کند.

● پورتونیستها و سوسیالیستهای در قبال جنگ امپریالیستی چه گفتند؟ آنها در زمانی که جنگ امپریالیستی فرا رسیده و در همین حال شرایط مساعدی جهت انقلاب فراهم شده بود، آشکارا به حمایت از بورژوازی خود بیلند میبندند. در چنین شرایطی تا کتیک انقلابی پرولتاریا چه بود؟ لنین می گفت:

"هرگونه جنگی از طرف بورژوازی این کشورها

فقط میتواند جنگ ارتجایی باشد، پرولتاریا نه تنها باید به هر نوع جنگی از این قبیل فدیت ورزد، بلکه باید فخواهنا رشکت دولست "خود" در چنین جنگهایی با خود چنانچه قیام بسنظور جلو گیری از جنگ به موفقت نسا ساند از این شکست برای قیام انقلابی استفاده نماید." (برنا به جنگی انقلاب پرولتاریائی) ولی در همین زمان امپورتونیستها و سوسیالیستها تحت عنوان "دفاع از میهن" به حمایت از جنگ امپریالیستی و اهداف فترا نگرا نه آن بیلند شده، به اعتبارات جنگی بورژوازی رای داده و حتی به وزیران چنانکه دولت بورژوازی تبدیل می - شوند، روشن است مشی ای که "حق" این با آن قدرت امپریالیستی می داند تا مملتی را فترا و چپاول کند مشی پرولتاریا نبوده بلکه مشی امپریالیستی میباشد.

● رویزیونیستها در قبال ملل تحت ستما مپریالیسم چه موضعی اتخاذ نمودند؟ آنان به توجه سیاست مستعمراتی و تجا وزگرا نه امپریالیستها پرداخته و بوغ اسارت و بردگی میلیونها توده زحمتکش مستعمرات را نا شیدمی نمودند. ارتدا رویزیونیستها آنچنان بعد پیدا می کنند که آنان نخبیت از "سیاست استعماری سوسیالیستی" نموده و عملا به کارگران بورژوازی امپریالیستی در انقیاد ملل تحت ستما تبدیل می - شوند. آنان سیاست خود را در این زمینه چنین تعیین می کنند:

"کنگره در اصول و در فتر زمان هر سیاست استعماری را مردود شنیداند، چه تحت یک رژیم سوسیالیستی می تواند رای طو لقتل فتر نه ای باشد."

(بقل از نوشته لنین: "کنگره سوسیالیستی بین الملل در آشوتنگا ژت")

زمانی که پرولتاریائیستیم فترا رت دهنده آزادی پرولتاریا و خلقهای تحت ستما جهان بود، امپورتو - نیسم در پی تشبیت ستما مپریالیستی در مستعمرات بود. زمانی که لنینیسم به نگر استین اینترناسیونالیسم پرولتاری بود، رویزیونیسم تحت عنوان "سیاست استعماری سوسیالیستی" و "گسترش تمدن" طنا ب انقیاد توده های متحدیده جهان را مستحکمتر می نمود.

چه کسانی سوسیالیست امپریالیست بودند

به این ترتیب متوجه می شویم که چگونه سوسیالیستهای امپریالیست با همان رویزیونیستها تحت عنوان جانبداری از طبقه کارگر به ماش و ماشا ت با قدرت سرمایه پوزداخته و چگونه پرولتاریا خیانتم می - ورزیدند. آنان در گفتار از ما رکن سوسیالیسم حمایت می کردند و از راه های طبقه کارگر می زدند، ولی در عمل و کردار سیاسی - اجتماعی آنان به بورژوازی امپریالیستی مدد می رسانند. آنان از سوسیالیسم و تصرف قدرت خوف می زدند، ولی در کردار در برابر دموکراسی بورژوازی و پارلمانتاریسم گنبدیده سرمایه داری، گرنش نموده و از برورش و تربیت انقلابی توده ها جهت سرنگونی فترا میز سلطه سرمایه خودداری می کردند. آنان از سوسیالیسم حرف می زدند، ولی در عمل تئوری انقلاب و روی آوردن به عملیات انقلابی و مستقیم علیه بورژوازی را بدست فراموشی سپرده بودند. آنان حمایت از کارگران را مطرح می ساختند، ولی در همان زمان تحا و زحمتک امپریالیستی را تا شید کرده و فرمان کشتار ملسون ها را که رگرتوسط جلادان سرمایه فترا مضام می نمودند،

در یک کلام رویزیونیستها و سوسیال - شونیستها در گفتار و سوسیالیسم حرف می زنند، اما در کردار دامیر - با لیستی عمل می کردند. بهمین خاطر لنین در باره اپورتونیستهای مرتدمی گفت :

"بیتنوابان حزب کنونی به اصطلاح "سوسیال - دموکرات" آلمان بحق و بیجا به "سوسیال - امپریالیست" یعنی سوسیالیست درگفتار و امپریالیست در کردار ملقب شده اند."

(امپریالیسم همشما به آخرین مرحله سرمایه داری) لنینیسم هرچمگتکست نا پذیر مبارزه انقلابی - پرولتاریاست. لنینیسم برای پیروزی قطعی کاربر سرمایه می جنگد و در این راه به تمام دشمنان طبقه کارگر اعلام جنگ می کند. پیکار و لنینیسم در جنبش کارگری متوجه رویزیونیسم و انقلابی بورژوازی می باشد. چرا که تا مین و حفظ استقلال سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی پرولتاریا که پیش شرط پیروزی کاربر سرمایه است، با این پیکار روبروی - یونیستی ممکن می باشد. بقول لنین :

"اپورتونیسم و سوسیال - شونیسم یک مضمون سیاسی - ایدئولوژیک دارند: همکاری طبقاتی بجای مبارزه طبقاتی، چشم پوشی از شیوه های انقلابی مبارزه، باری کردن حکومت کشور خود" در واقعیت پریستانی بجای بهره برداری از این پریستانی برای پیشبرد انقلاب - و به همین خاطر هیچ مارکسیستی تاکنون تردید نداشته است که اپورتونیسم بیان سیاستهای بورژوازی در جنبش کارگری است. (سوسیالیسم و جنگ)

لنینیسم می آموزد که رویزیونیسم و "اپورتونیسم دشمن اصلی ماست" و بنا بر این چگونه می توان با دشمن اصلی در یک جبهه باقی ماند و چگونه می توان با دشمن اصلی جنبش طبقه کارگر در یک حزب همزیستی داشت؟ پرولتاریا با بورژوازی سرانستی نمیتواند داشته باشد، بهمین منظور با ایدئولوژی مترسطوف ایدئولوژیک و سازمانی پرولتاریا را از فاسد پیور - زواری پاک کرد، زیرا پیروزی در مبارزه طبقاتی علیه سرمایه و به پیشروی در راه کمونیسم تنها از راه پیکار روبروی یونیستی می گذرد. در همین ارتباط بود که لنین می گفت :

"با داشتن رفرمیستها و منتویکها در صفوف خود، نتج در انقلاب پرولتاری میسر ممکن و نگاه داری آن مجال می باشد."

و رلین استالین اضافه می کند :

"هرگاه حزب ما توانست بیگانگی داخلی و بیوستگی بی نظیری را که در صفوف وی وجود دارد، ایجاد کند، علت آن مقدم برهنه این بود که سوتج خود را از لولت اپورتونیسم میسرا ساخت و انحلال طلسم و منتویکها را از داخل خود بیرون ریخت. راه رخد و استواری احزاب پرولتاری میسرا است از تمثیه آنها از اپورتونیستها و رفرمیستها، سوسیال امپریا - لیستها و سوسیال شونیستها، سوسیال میهن - برننها و سوسیال - پاسیفیستها. استحکام حزب وابسته به تمثیه آن از عناصر اپورتونیست است." (تاریخچه حزب بلشویک، تاکیدات از ما سرت) با رویزیونیسم نمی توان همزیستی داشت زیرا روبرو سوسیال دمکلیت چرکین بورژوازی است، بنا بر این برای غلام و شکوفائی جنبش کارگری و کمونیستی،

سرای اینگونه بتوان شرایط شکست سرما به را فراهم نمود، باید این دمکلیت چرکین را نابود ساخت.

کسانی که ما هیت طبقه شتی رویزیونیسم را در - نیابند، کسانی که ما هیت منی سوسیال امپریالیستها را درک نکنند، نمی توانند بطور پیکار و تا به آخر علیه بورژوازی بجنگند زیرا خود هنوز در چهار رجسوب فکری بورژوازی حرکت می کنند. رویزیونیسم همیشه با نفی آنکارا مول مارکسیستی مترادف نیست. به همین دلیل باید جوهر و اشکال پیچیده ایدئولوژی بورژوازی را شناخت. با ایدرک کرده که منی سوسیال امپریالیستی جزیک منی بورژوازی و فدا انقلابی - چیردیگری نیست. با ایدرک کرده که منی رویزیونیستی دشمن سرسخت جنبش کارگری است. با ایدرک کرد که رویزیونیستها کارگزاران مستقیم سرمایه داری، تخریب کننده استقلال پرولتاریا و تضمین کننده حاکمیت بورژوازی می باشند. بدون مرز بندی - شوریک و عملی با رویزیونیسم شکست جنبش کارگری - کمونیستی حتمی است. لنین می نویسد :

"یکی از شرایط لازم برای آمادگی پرولتاریا برای پیروزی مبارزه ای طولانی سرسخت و بیرحم بر علیه اپورتونیسم، رفرمیسم، سوسیال شونیسم و نفوذ گرایان، متناهی بورژوازی که احتجاب نا پذیرند، زیرا پرولتاریا در یک محیط سرما به داری زیست می کند. اگر چنین مبارزه ای نماند، اگر اپورتونیسم در جنبش طبقه کارگر - کارلا شکست نخورد، دیکتاتوری پرولتاریا نمی تواند بوجود آید. بلشویسم در سال ۱۹۱۹ - ۱۹۱۷ نمی توانست بورژوازی را شکست بدهد اگر قبل از کن در سالهای ۱۹۱۲ - ۱۹۰۶ پیاد نگرفته بود که منتویکها را یعنی اپورتونیستها، رفرمیستها، سوسیال - شونیستها را شکست دهد و آنها را بهر حال به احزاب پیست، قسرا ول پرولتاریا شتی اخراج کند."

(انتخابات مجلس موسان و دیکتاتوری پرولتاریا) مبارزه سرسخت و طولانی نه تنها تضمین کننده پاکیزگی و استحکام تمبردگار علیه سرمایه است، بلکه همچنین سازمان مبارزه واقعی و خلل نا پذیر علیه امپریالیسم است. پرولتاریا و توده های که در امارت ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی و امپریالیستی قرار دارند، چگونه می توانند علیه سرمایه داری گندیده مبارزه کنند؟ مبارزه پیکار فدا امپریالیستی.

نیایه یک منی و ایدئولوژی فدر سرمایه داری دارد، حال آنچه ما می دانیم رویزیونیسم یک جریان پیور - زوایی است بهمین لحاظ بود که لنین مطرح می کرد:

"اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه اپورتونیسم توام نباشد، جز مسارت بردازی پیور و دروغ چیزی نخواهد بود."

(امپریالیسم همشما به آخرین مرحله سرمایه داری) آری رفقا، پیکار انقلابی فدر رویزیونیستی را هرگز فراموش نکنیم، زیرا مبارزه شتی نا پذیر ضد رویزیونیستی معیار اساسی امالت هر شکل کمو - نیستی است. ما باید از موزشهای لنینیسم ما موزیم و آموخته های خویش را سرسختانه پیکار گیریم، پیشبرد مبارزه ضد رویزیونیستی وظیفه اساسی و همینگی ما است، و بخصوص امروز که با رویزیونیسم همشما به خطر عمده ای که جنبش کمونیستی ایران را تهدید می کند و ما می توانیم نشانهای آنرا در انحرافات رویزیونیستی متعددی که پیکاری از تشکلات مارکسیست را فرا گرفته است مشاهده کنیم با ایدیش از هر زمان

دیگر پیکار خود را علیه رویزیونیسم گسترش بخشیم. گرایش قوی و شدت یافته رویزیونیستی سازمان چریکهای فدائی خلق و انحرافات رویزیونیستی "راه کارگر" برای تمام کمونیستهای ایران زنگ خطری است. آری رفقا، با ایدرهنمودهای لنین را چیراغ راهنمای خود ساخته و پیکار فدا در راه آرمان پیور - لنتاریا به پیش رفت، با ایدرهم منظور نمون کمونیسم را بهیوسته در اهتزاز نگاهد از نیم و همیشه و همیشه در یاد داشته باشیم که "نشان کمونیسم را ستین، قطع رابطه با اپورتونیسم است" (لنین: "سخنرانی در دفاع از تکتیکهای انترناسیونال کمونیستی"). آری رفقا، با ایدیکوشیم تا شاکردان راستین لنین کبیر باشیم ■

بقیه از صفحه ۲ پاسخی به هه

سیاه را برای سرکوب نیروهای انقلابی بسیج نشودند. هیچ موقع ارتش را برای سرکوب خلشک بکار نگرفتند. مطلقا قلب پرطیش دهها دانشجوی مبارزه فدا امپریالیست را تحت پوشش انقلاب فرهنگی از حرکت و فعالیت با زنداشتند... اما می بینیم که عملکرد جمهوری اسلامی ایران چیز دیگر بوده و حکایت از خط منی و اهداف دیگری دارد. بنا بر این سفسطه نکنید و حقایق را و روش جلوه ندهید و مردم را تحمق ننمایید. البته وقتی شما توطئه های رژیم حاکم را برای بسیج ارتش در جهت سرکوب خلق فهیمان کرده ام منظور رژیم می خواهد مبارزه با رژیم عراق و نمودنی کشنده و در عوض دفاع خلق کرد را از موجودیت خود که وحشیانه مورد تجاوز قرار گرفته است کمک به حکومت فاشیستی عراق تلقی می نماید، از شما انتظار می جای نیست که برای بی اعتبار کردن نیروهای انقلابی آنها را با حزب توده زمان مصدق مقایسه کنید و در عوض برای اعتبار بخشیدن به حکومت فعلی ایران، آنرا از گنا رژیم های ملی مصدق و آئنده قرار دهید. اما اگر شما نمی خواهید در رابطه با این مسائل بدیهی و روشن حقایق را با زگو کنید، بلاشک تا ریح شما را از اشتباه "درخواست آورد" در پایان لازم می دانیم متذکر شویم این نوشته مشتمل بر یک پاسخ همه جا تهیه کلیه آنها است و حملات مطروحه در مقابل ما بی مورد و با سر بر نیروهای انقلابی نبودنی برای خودداری از اطلاعات مقاله بهمین مقدار بسته شد.

بقیه از صفحه ۱۱ اخبار هه

کارگران به از سر گرفتن کار و تحمیل پیشنهادات ناچیز بر آنان می باشد. ولی هزاران فلزکار برزیلی علیه رفقا این اقدامات ژنرالهای فاشیست سرسختانه مبارزه خود را ادامه می دهند و آنرا تا رسیدن به خواستهای برحق خود می میگيرند. ۴۰/۵۵۰ فلزکار اخیرا در جلسه ای تصمیم گرفتند مبارزه خود را تا برآورده شدن خواستهای خود با نیروهای دهها بار بیشتر علیه ستم و استعمار وحشیانه سرمایه داری پیش ببرند.

جنبش اعتراضی فلزکاران برزیل از دو ازمهم فروردین ماه آغاز شده است. دیکتاتوری نظامی و دستگاه پلیسی وی نمی توانند از پیشروی خلشک زحمتکش برزیل که بسیج شده است تا با عملیات اعتراضی و انقلابی قدرت ارتجاعی را سرنگون سازد. جلوگیری نماید. همچنین ۱۲ هزار باراندا از "بندر سانتور" در "ساووپولو" اعتصاب بزرگی را برای دفاع از حقوق خود سازمان داده اند ■



خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند



رفیق شهید نامانی

فارسی و گمانی ما میسوده لاتان و اندیمتک و دورود و دانگه تهران و ... یکی پس از دیگری تکرار می - شود و جو به های دارا علیه نیروهای انقلابی و کمو - نیست برمی اغرازند. آری دشمنان خلق آزادی خود را در امارت خلق با فتنه اند. سخن کمونیست انقلابی بزرگ رفیق هوشی مین را بیا بدادیم که :

"بسی ما را امپریالیستها دره ای عمیق و خوددارد که با بدبا خاکستر کمونیستها برشود ."

حلقهای مایه دشمنان خود که از املاتان بندد تکرر فتنه اند درسه ای تلخی خواهد داد. این حکم تاریخ است .

ما زمان بپکار در دره آزادی طبقه کارگر

۵۹/۲/۱۲

انقلابیون و مدافعین سرخست زحمتکشان بکار برده شده است ؟ و کیست که ندا ندشکنجه وزندان را اعدام سهیج روقا در نیست کمونیستها را از افشای حقایق و فداکاری در راه سعادت بشرمانع شود ؟

اخبار رسیده حاکی است که از سوی به اصطلاح دادگاه انقلاب، مکتی ۶ نفر (منجمله دور رفیق شهید) بخش شده است و آنان را بدروغ مسبب حوادث دانشگاه اهو از قلمداد کرده اند. در صورتیکه همگان میدانند که کشتن ردا دانشگاه اهو از عملکرد رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران و قداره بندان آنست .

آری ، ما و اکپها آزادند و از به اصطلاح تعاریشان برای بازسازی ساواک جدید (ساواک) و شکنجه ها استفاده میشود. ولی برای خلق کرد و دیگر خلقهای ایران حماسهای خون برآورد می اندازند. جنایات

ما سالهاست با چنین اخباری آشنا می باریم . رفقای دلبر بپکار رجوبانی سرخست که در راه مبارزه با امپریالیسم و عمالتش و در راه دفاع از پهنای زحمتکشان به جو به های اعدام سپرده شدند و همزمانی سازشنا پذیر را بهمین ترتیب از دست دادیم و امروز نیز خون سرخ شهدایمان را دمب و دشوار آزادی و استقلال را هم چنان گلگون نگاه می دارد. اما اگر کشتن رفیر زندان خلق رژیمنا را نجات داد ، اینها هم نجات خواهند یافت .

رفیق احمد مؤذن

فارغ التحصیل دانشگاه اهو از یکی از مسئولین دانشجویان و دانش آموزان اهو در زمان درغوز - ستان که فعلا لانه در راه آزادی طبقه کارگر فعالیست می گرد و یکدم از افشای توطئه های امپریالیسم و ارتجاع که علیه مبارزان دموکراتیک - ضد - امپریالیستی خلقهای ستمدیده ایران تدارک و اجرا می - شود ، غافل نبود. پس از ۲۴ ساعت که از دستگیری اش می گذشت در بیادگاه می که در آن جنا پتکاران درمستند قضاوت و انقلابیون در جایگاهها تها متشبه بودند ، به اعدام محکوم شد و بیشتاد رسید .

رفیق دانیالی

نیز که دیپلمه بپکار بود و دانش جود در راه افشای زحمتکشان نمی شهید و همتا رفیق احمد مؤذن یک کمونیست انقلابی بود ، بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی بجرم افکار و آرا و فضا لیهنهای انقلابی اش بیشتاد رسید .

بنا بر اطلاعیه "دادگاه انقلاب (جرم)" این رفقا شرکت در تحمیل بپکاران ، همدردی با کارگران و زحمتکشان ، فعالیت آگاهانه در دانشگاه ها و در بین توده های مردم بوده است!

زندگی نامه رفیق شهید احمد مؤذن

رفیق احمد مؤذن در سال ۱۳۳۳ در خانواده ای سنتی و متوسط در شهر ذوقول بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۳ با رتبه اول به دانشگاه اهو از راه یافت. رفیق بدلیل جو مذهبی خانواده و شهرت سال ۵۵ مذهبی و از طرفداران سرخست دکتتر شریعتی بود. شرکت فعال در مبارزات دانشجویی ، رفیق را هر چه بیشتر با مارکسیسم - لنینیسم آشنا نمود بطوریکه در سال ۵۵ ایدئولوژی طبقه کارگر را بعنوان یگانه راهنمای نظریه نمون رهاش خلقها و زحمتکشان پذیرفت و بدین ترتیب انرژی انقلابی رفیق آزادتر گشت و ایما دروا بطش با دانشجویان انقلابی به پیشبرد بطوری که در مبارزات صنفی - سیاسی دانشگاه اهو در ردیف فعالترین دانشجویان قرار گرفت. رفیق در طول زندگی مبارزاتی اش چه در دانشگاه و چه در شهر با تلاش خستگی ناپذیر خود سعی در تبلیغ و ترویج در میان نیروهای صادق انقلابی و جذب آنها داشت .

رفیق احمد یکی از فعالین موثر در تشکیلات دانشجویان م. ل و گشودن دفتر دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر بود. پس از شروع مبارزات سیاسی - علمی دانشجویان او از جمله کاسی بود که همواره آماج حملات عوامل ارتجاع و عمال دولتی بود .

احمد پس از قبول مرز بندی دقیق نیروها در بین دانشجویان مبارز ، همواره یکی از مبلغین و مروجین فعال این نقطه نظر بود. بهمین علت یکی از اولس کسان بود که در تشکیلات دانشجویان اهو دارا زمان بپکار در راه آزادی لانه شرکت داشت و در

آنها توده های زحمتکشی که پس از دهها سال ستم رژیم ستفروپهلوی پس از سالها استقامت و سرمایه داران و زمینداران بزرگ رژیمنا هوار با بیان آمریکا شیش شوریدند و از اسرتنگون گردیدند ، فعالیت نیروهای انقلابی در حمایت از حقوق زحمتکشان را "جرم" می شمارند ؟ آیا کارگزارانی که تحت فشار و شکنجه هزینه زندگی و گرانترین ویی خانمانی و عدم دسترسی به حداقل زندگی بگاتنان ، روز و شب در کارخانه ها استعمار می شوند و جان می کنند ، حمایت نیروهای انقلابی از حقوق شان و همدردی با انسان را "جرم" می شمارند ؟ آیا تلاش در راه آزادی لانه دانشگاه همچنان ستک آزادی بنا نند "جرم" است ؟

از اینها که بگذریم در کدام دانشگاه ، با حضور کدام هیئت منصفه ، با کدام موکیل اینان محاکمه شده اند ؟ رژیم جمهوری اسلامی که برای خاشی همچون هویدا ماها محاکمه ترتیب می دهد ، برای کسی ماننستد تهرانی جلاد و شکنجه گرساواک ساغنها محاکمه و در اصل نماینده تبلیغاتی راه می اندازد ، برای دزد جنایتکار و خاشی چون شیخ الاسلام زاده چندبار دادگاه تشکیل می دهد و سرانجام از مجازات او در می گذرد و برای جاسوسان آمریکا شاهی به تریبون شرایط زندگی را فراهم می نماید ، چرا برای نیروهای انقلابی و کمونیست که افتخارات تاریخ با نام و مبارزات آنان گره خورده است و در راه مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم و عمالتش لحظه ای تردید بخود راه نداده اند ، اینچنین حکم اعدام ما در می کند ؟ کیست نداننده که چنین احکام جنایتکارانه ای که امروز با نام "دادگاههای انقلاب" ما در می شود ، با راه در کردستان و ترکمن صحرا و خورستان و ... علیه

کرامی بیاد سادشهای بخون خفته خلق

۵۹/۲/۱۲

